

در حضور خدا

نوشته: آندرو موری
ترجمه: روبرت آسریان

چگونه می‌توان وارد حضور خدا شد و مصاحبت و مشارکتی بدون واسطه و خدشه‌ناپذیر با او داشت؟ آیا تجربه حضور خدا تجربه‌ای عادی و تکرار شونده برای هر مسیحی است یا تنها تعدادی اندکی از مسیحیان و غول‌های ایمان خوانده شده‌اند تا از آن برخوردار شوند؟ چرا موانعی در برابر تجربه کردن حضور خدا وجود دارد و اساساً طریق وارد شدن به حضور خدا و حفظ و تداوم این حضور چیست؟ کتابی که پیش روی خود دارید سعی در پاسخگویی به این سؤالات دارد و سعی می‌کند تا نظر خواننده را معطوف حقایق مهمی سازد که کلام خدا در این مورد بیان می‌کند. نویسنده با شرح و تفسیر عبرانیان ۱۰: ۱۹-۲۵ سعی می‌کند این موضوع را روشن سازد که همه مسیحیان خوانده شده‌اند تا از طریقی تازه و زنده وارد قدس‌الاقداص؛ یعنی حضور زنده و بدون واسطه خدا شوند. نویسنده با شرح و تفسیر تک آیات این قسمت از کلام خدا، امکان و ضرورت ورود به حضور خدا، لزوم ماندن و زندگی کردن در آن، موانع و مشکلاتی را که در این زمینه وجود دارند و نتایج و پیامدهای ماندن در این حضور را شرح می‌دهد.

نویسنده سعی می‌کند تا این موضوع را در ذهن خواننده جا بیندازد که خدا همه کارهایی را که برای ورود انسان به قدس‌الاقداص و حضور بدون واسطه‌اش لازم بود، انجام داده است و این دیگر وظیفه ماست که با دلیری و یقین ایمان نزدیک بیاییم و به حضور خدا وارد شویم و دیگر هیچ عذر و بهانه و تعللی در این مورد قابل پذیرش نیست. نویسنده کتاب، آندرو موری، یکی از نویسندگان مشهور مسیحی است که کتب متعددی در زمینه زندگی مسیحی به نگارش درآورده است و برخی از آثارش امروزه جزو آثار کلاسیک ادبیات مسیحی محسوب می‌شوند. او در سال ۱۸۲۸، در آفریقای جنوبی چشم به جهان گشود و تمامی عمر خود را وقف شبانی کلیساهای مختلف موعظه، بشارت و تألیف کتب روحانی کرد و در سال ۱۹۱۷، نیز چشم از جهان فرو بست. یکی از ویژگی‌های مهم آثار او تلاش در جهت عمق بخشیدن به حیات روحانی مسیحیان و تأمل و تعمق در مورد حقایق ژرف کلام خداست. از او کتاب «مکتب اطاعت» نیز قبلاً به فارسی ترجمه شده است. امیدواریم مطالعه این کتاب بینشی نوین در مورد وارد شدن به حضور خدا به شما بدهد و باعث شود تا به شکل عمیق‌تری این حضور را تجربه کنید.

ورود به قدس‌الاقداص

«پس ای برادران چونکه دلیری داریم که به مکان اقدس داخل شویم؛ یعنی از راهی تازه و زنده که از میان آن پرده که بدن اوست بر ما گشوده شده است و از آنجا که کاهنی بزرگ بر خانه خدا داریم بیایید با اخلاص قلبی و اطمینان کامل به حضور خدا نزدیک شویم، در حالی که دل‌هایمان از هر احساس تقصیر زدوده و بدن‌هایمان با آب پاک شسته شده است. بیایید بی‌تزلزل امیدی را که به آن معرفتیم همچنان استوار نگه داریم، زیرا وعده‌دهنده امین است و در فکر آن باشیم که چگونه می‌توانیم یکدیگر را به محبت و انجام اعمال نیکو برانگیزانیم و از گرد آمدن با یکدیگر دست نکشیم، چنانکه بعضی را عادت شده است، بلکه یکدیگر را بیشتر تقویت کنیم بخصوص اکنون که شاهد نزدیکتر شدن آن روز هستید» (عبرانیان ۱۰: ۱۹-۲۵).

قدس‌الاقداص

• ورود به قدس‌الاقداص. با این کلمات نیمه دوم رساله عبرانیان آغاز می‌شود. تا این قسمت رساله عمدتاً حالتی تعلیمی داشته است و تا این قسمت جلال شخصیت مسیح و کهانت وی، جلال قدس آسمانی که مسیح توسط خون خود راه ورود به آن را گشود، آن را تطهیر کرده و متعلق به ما نمود و نیز جلال طریقی که وی در آن خود را مطیعانه قربانی کرد و بدینوسیله بر تخت آسمانی جلوس نمود، مکشوف گشته است. اکنون قسمت عملی موضوع مطرح می‌شود و وظیفه ما در درک نجات عظیمی که مهیا گشته است در یک مضمون خلاصه می‌شود: «پس چونکه دلیری داریم که به مکان اقدس داخل شویم، نزدیک بیاییم،» مشارکت با خدا و نیز امکان تقرب به حضور وی و توانایی این امر که در حضور او دائماً ساکن باشیم و زندگی خود را در این حضور بگذرانیم، در مسیح مهیا شده است: پس بیایید به او نزدیک شده و در حضور او ساکن شویم اعمال خدا دقیقاً در این جهت هستند که هر یک از فرزندان او بتوانند همیشه در حضور او ساکن شوند.

- ورود به قدس‌الاقداص. این عبارت دعوتی خطاب به عبرانیان است که در رساله به آنان نوشته شده تا آنان زندگی توأم با بی‌ایمانی و کاهلی را که منجر به جدایی آنان از خدای زنده می‌شود ترک کنند و وارد سرزمین موعود و آرامی خدا شوند؛ یعنی حیاتی که به معنی مشارکت با او و کسب رضامندی‌اش است. این دعوتی خطاب به همه مسیحیان فاتر و دو دل است، تا دیگر در قسمت بیرونی هیکل باقی نمانند و تنها با این امید راضی نباشند که گناهانشان آمرزیده شد. این عبارت همچنین دعوت از مسیحیانی است که به ورود به قدس و به انجام مراسم قربانی در آنجا قناعت می‌کنند در حالی که پرده قدس‌الاقداص کماکان آنان را از مشارکت کامل با خدای زنده و برخوردار شدن از محبت وی باز می‌دارد. این عبارت ایمانداران را دعوت می‌کند تا با شکافتن پرده از آن عبور کنند و به مکانی داخل شوند که خون پاشیده شده است؛ یعنی مکانی که کاهن اعظم همواره در حضور پدر زندگی می‌کند و خدمت کهنات خویش را انجام می‌دهد. این دعوت، دعوتی از همه ایمانداران شکاک و تشنه است که مشتاق حیاتی نیکوتر از آنچه با آن آشنایی دارند هستند، تا شکهای خود را به کنار بگذارند و ایمان داشته باشند که مسیح، طریق قدس‌الاقداص را برای ما گشود. مسیح حقیقتاً امکان ورود به این مکان را برای همه ما به وجود آورده است. این نجاتی است که او آن را متحقق ساخته و اینک می‌خواهد تا ما را از آن برخوردار سازد. بنابراین ما حقیقتاً باید در نور روی خدا ساکن شویم.

- ورود به قدس‌الاقداص. این عبارت به طور خلاصه ثمره کار مسیح و موضوع اصلی این رساله می‌باشد و نیز نیاز بزرگ زندگی مسیحی ما و نجات کاملی است که خدا در مسیح به ما داده است تا از آن برخوردار شویم.

- ورود به قدس‌الاقداص. در اینجا منظور از قدس‌الاقداص چیست؟ برای خواننده‌ای که کل رساله به عبرانیان را مطالعه کرده است روشن است که منظور همان قدس‌الاقداص است که مسیح وارد آن شد؛ یعنی مکانی که وی با مرگ خود پرده آن را پاره کرد و با خون خود وارد آن شد تا به خاطر ما در حضور خدا ظاهر شود. این مکان قدس‌الاقداصی است که خدا در آن ساکن است؛ یعنی جایی که کاهنان و حتی کاهن اعظم نباید ساکن شود، ولی مسیح به خاطر ما وارد آن شد و اکنون ما باید در آنجا ساکن شویم. این مقدس‌ترین مکان، مکانی آسمانی است، اما به معنای خود آسمان نیست؛ یعنی فضایی که معمولاً مجزا و منفصل از زمین در نظر گرفته می‌شود. آسمانی که خدا در آن قرار دارد به همان معنایی که زمین به عنوان فضایی محدود در نظر گرفته می‌شود نیست. در بالای سر ما آسمانی وجود دارد که به شکلی خاص تجلی‌گاه حضور خدا می‌باشد، اما در عین حال آسمانی روحانی نیز وجود دارد که چون خود خدا، حضور آن در همه جا هست. می‌توان گفت هر جا خدا هست آسمان و عالم اعلی نیز در همانجاست و بدین معنی حضور او زمین ما را نیز در بر می‌گیرد.

قدس‌الاقداص که مسیح وارد آن شد و بدین شکل طریقی را نیز برای ما گشود در واقع جایگاهی است که نور دست نیافتنی حضور مقدس خدا و نیز محبت او در آن قرار دارد و نیز مکانی است که در آنجا اتحاد و مشارکت کامل با خدا ممکن می‌شود. انسان تنها با ایمانی که وی را با مسیح یکی می‌سازد قادر است وارد این قدس‌الاقداص شود و آنگاه همواره در آنجا ساکن شود، زیرا همانگونه که در فصل هفتم همین رساله می‌خوانیم مسیح همواره در این مکان ساکن است. روح‌القدس که قبلاً نشان می‌داد طریق ورود به قدس‌الاقداص هنوز بسته است، با ریخته شدن خون مسیح که این طریق را گشود، در روز پنطیکاست در قلب شاگردان شهادت می‌داد که این طریق دیگر گشوده شده است و امروزه نیز به ما نشان می‌دهد که ورود به این مکان چه معنایی دارد. روح‌القدس وجود انسان را به قدس‌الاقداص برمی‌فرزد و در واقع قدس‌الاقداص را به درون انسان می‌آورد. در قدرت روح‌القدس ما اکنون می‌توانیم به خدا تقرب جویم و در حضور او ساکن شویم.

- ورود به قدس‌الاقداص. آه چقدر این پیام پر جلال است! در حدود ۱۵ قرن قدس‌الاقداص در میان قوم اسرائیل قرار داشت، ولی هیچ انسانی نمی‌توانست وارد آن شود، زیرا در صورت ورود مرگ در انتظار وی بود. وجود قدس‌الاقداص چنین معنایی داشت، انسان نمی‌تواند در حضور خدا ساکن شود و نمی‌تواند در مشارکت با او باقی بماند، اما اکنون چقدر وضع تغییر کرده است همانگونه که در آن زمان این هشدار به گوش می‌رسید که: ورود به این مکان ممنوع است! داخل نشوید! اکنون این دعوت به گوش می‌رسد: وارد شوید! پرده پاره شده است، طریق قدس‌الاقداص گشوده شده، خداوند در انتظار این است که شما را در آغوش خود بپذیرد. از این به بعد می‌توانید با او زندگی کنید. پیام این رساله چنین است: ای فرزندان پدرت مشتاق این است که به حضورش وارد

شوی، در آنجا ساکن گردی و تا ابد از این حضور خارج نشوی: آه چقدر زندگی در قدس‌الاقداص متبارک است! در این مکان چهره پدر دیده می‌شود و محبت او حاکم است. در اینجا قدوسیت او مکشوف می‌گردد و وجود انسانی شریک این قدوسیت می‌شود. در این مکان قربانی محبت و پرستش و حمد و ثنا و استغاثه در فوت صورت می‌گیرد.

در این مکان در حضور خدا وجود انسانی به یگانگی عمیق‌تری با مسیح دست می‌یابد و بیش از پیش به شباهت او متبدل می‌شود. در این مکان در اتحاد با مسیح و شفاعت پایان‌ناپذیرش، ما نیز به عنوان اشخاصی که به شفاعت مشغولند تقویت یافته و با قوت الهی غالب می‌شویم. در این مکان ریزش روح‌القدس به نهري خروشان می‌ماند که همواره از تخت خدا و بره جاری است. در این مکان جان ما، چون عقابی به پرواز درآمده و قوت تازه می‌یابد و آنقدر از برکت و قوت و محبت برخوردار می‌شویم که به عنوان کاهنان خدا بتوانیم برای جهان در حال نابودی برکت به ارمغان بیاوریم. در این مکان هر روز می‌توانیم مسیحی نوین را تجربه کنیم که توسط آن ما حاملان و شاهدان نجات خدا برای انسان می‌گردیم و ابزاری می‌شویم که پادشاهمان به واسطه آن اراده‌اش را به عمل می‌آورد و پیروز می‌گردد. آه عیسی! کاهن اعظم ما، باشد تا از چنین حیاتی برخوردار باشیم!

مؤخره

۱- «یک چیز از خداوند خواستم و آن را خواهم طلبید که تمام ایام عمرم در خانه خداوند ساکن باشم تا جمال خداوند را مشاهده کنم و در هیکل او تفکر نمایم.» و اینک این دعا پاسخ یافته است.

۲- آیا عیسی نگفت: «من آغل گوسفندان هستم؟» آغل گوسفندان برای ما چه معنایی دارد؟ این آغل قلب پدر آسمانی ماست که مسیح دروازه آن است که به دروازه زیبا مسمی می‌باشد. مسیح با چه خوشی و مسرتی درب خزانه و قلب پدر را گشود و او خزاین مخفی، شیرینی و صمیمیت مشارکت خود را بر ما مکشوف کرد.

۳- ممکن است پدر یک شخص یا دوستانش به مناسبت ازدواج یا تولد او، برای هدیه خانه‌ای را به همراه وسایل لازم به او هدیه کنند. آنان این شخص را به خانه‌اش می‌آورند و با دادن کلید خانه به وی می‌گویند: «اینجا دیگر منزل توست.» فرزند خدا! پدر آسمانی نیز اکنون قدس‌الاقداص را بر روی تو گشوده است و به تو می‌گوید: «این مکان اکنون دیگر منزلگاه توست.» ما باید چه پاسخی به این دعوت بدهیم؟

دلیری به خاطر خون مسیح

ورود به قدس‌الاقداص. این عبارت در بردارنده پیام کل رساله است. مسیح به راستی طریق قدس‌الاقداص را برای ما گشوده تا به آنجا داخل شده و ساکن شویم. فرزندان خدا باید پیوسته در مسکن پدر آسمانی ساکن باشند تا شراکت پر محبت آنان با وی پیوسته برقرار باشد. هدف این رساله این است که همه فرزندان را در قدس‌الاقداص گرد هم بیاورد. پس، چون دلیری داریم که وارد شویم، پس بیایید نزدیک شویم! ممکن است بعضی با خواندن این رساله راز پرشکوه ورود به قدس‌الاقداص برایشان مکشوف شده باشد و با ورود به آنجا با ایمان می‌گویند خداوند من می‌آیم، از این پس من در مکان مخفی تو، در قدس‌الاقداص خواهم زیست، ولی با وجود این ممکن است این اشخاص دچار ترس باشند بدین معنی که آنان هنوز مطمئن نیستند که کاهن اعظم حقیقتاً آنان را به درون برده است. آنان به یقین نمی‌دانند که آیا همواره امین خواهند بود و پیوسته در قدس‌الاقداص ساکن خواهند بود یا خیر. آنان هنوز به خوبی دریافته‌اند که دلیری برای داخل شدن چه معنایی دارد.

ممکن است اشخاص دیگری نیز وجود داشته باشند که با قلب‌هایی مشتاق و تشنه دعوت وارد شدن را شنیده باشند، ولی با وجود این جرأت انجام چنین کاری را نداشته باشند. این فکر که یک موجود حقیر گناهکار می‌تواند همواره در قدس‌الاقداص ساکن شود بیش از حد دست نیافتنی می‌نماید. چنین اشخاصی از ضعف و قصورات خود و نیز عدم وفاداری و امانتشان عمیقاً آگاه هستند. برخورد این اشخاص با قدرت جهان و شرایط آن و نیز تجربه‌شان از ضعف جسم و بیهودگی تلاش‌هایشان چنان مقهورشان کرد که هیچ امیدی برای چنین حیاتی ندارند. روح‌القدس با هر دو گروهی که از آنان سخن گفتیم؛ یعنی اشخاصی که وارد قدس‌الاقداص شده‌اند، ولی هنوز دچار ترس هستند و نیز

اشخاصی که به خاطر ترس وارد نشده‌اند، امروز نیز سخن می‌گویند البته به شرطی که صدای او را بشنوند و قلبشان را سخت نسازند. دلیری و جسارتی که باید با آن وارد شویم در وهله اول یک حس اطمینان آگاهانه نیست، بلکه آزادی و حقی است که خدا با تکیه بر اطمینان به خون مسیح حقیقتاً به ما عطا کرده است. میزان جسارت ما متناسب با ارزشی است که خدا برای خون مسیح قائل است. اگر با ایمان ساده بر خون مسیح تکیه کنیم احساس یقین و شادی نیز در ما به وجود خواهد آمد و ما با سرودهای شادی و شکرگزاری وارد قدس‌الاقداص خواهیم شد.

- دلیری در خون مسیح. همه چیز به درک ما از این حقیقت بستگی دارد. اگر خون مسیح برای ما همان معنایی را داشته باشد که برای خدا دارد، دلیری و جسارتی را که خدا می‌خواهد توسط این خون به ما ببخشد، در ما به وجود خواهد آمد. همانگونه که در فصل ۹ این رساله می‌خوانیم همانگونه که خون مسیح در پاره کردن پرده قدس‌الاقداص و تطهیر نمودن آسمان‌ها عمل کرد و به عیسی، پسر انسان امکان ورود به حضور خدا را داد، به همین شکل نیز این خون در قلب ما عمل خواهد نمود و قلب ما را به قدس خدا تبدیل کرده و ما را برای شراکت کامل با خدای قدوس مهیا خواهد نمود. هر چه بیشتر ما برای خون بسیار گرانبهای مسیح ارزش قائل شویم به همان میزان نیز این خون قدرت و کارآیی خود را نشان داده و آسمان را برای ما گشوده و آن را در درون ما مستقر خواهد کرد و با قدرت الهی‌اش ما را از تجربه واقعی زندگی در قدس‌الاقداص برخوردار خواهد نمود.

- خون مسیح. در خون حیات وجود دارد و خون به اندازه حیات ارزش دارد. حیات خدا در مسیح وجود داشت و همانگونه که خدا نامحدود است خون مسیح نیز از ارزش و قدرت نامحدودی برخوردار است. در مسیح زندگی انسان در کمال خود متجلی شد و در او فروتنی، اطاعت از پدر و قربانی کردن خود که عمیقاً رضامندی پدر را موجب گشت تحقق یافت. پس خون عیسی که هم انسان و هم خدا بود به واسطه مرگی که کاملاً تحقق اراده‌اش بود ریخته شد و بدینسان پیروزی کامل بر گناه، نفس و همه وسوسه‌ها حاصل گشت. با ریختن این خون کفاره ابدی برای گناه مهیا شد و با حل مسأله گناه، موت و صاحب قدرت موت تباه شدند. آنگاه در خون عهد ابدی، مسیح از مردگان قیام کرد و به عنوان سر و شفیع ما به آسمان وارد شد و اینک این خون تا ابد در آسمان است؛ یعنی در مکانی که خدا داور همگان و عیسی واسطه بین انسان و خدا در آنجاست (عبرانیان ۷: ۲۴) اینک به واسطه این خون که به خاطر ما در حضور خدا ریخته شده است جرأت و دلیری داریم تا به قدس‌الاقداص داخل شویم.

مسیحیان عزیز کمی بیندیشید که عباراتی چون عیسی و خون بره خدا چه معنایی دارند. خدا این خون را برای نجات ما مهیا کرد و هنگامی که پسر وی به آسمان داخل شده و آن را برای ما آماده نمود، آن را پذیرفت. خدا برای همیشه به این خون به عنوان ثمره و نیز دلیل انکارناپذیر اطاعت مسیح که تا به موت بوده می‌نگرد. خدا توجه ما را به این خون معطوف می‌کند و از ما می‌خواهد تا به قدرت بی‌پایان، کفایت ابدی و به نقشی که این خون در ارضای قدوسیت الهی دارد ایمان داشته باشیم. آیا شما ایمان ندارید که این خون به شما که شخصی گناهکار و ضعیف هستید آزادی، اطمینان و دلیری برای نزدیک شدن و ورود به قدس‌الاقداص عطا می‌کند؟ آری به این حقیقت ایمان داشته باشید که حقیقتاً تنها خون عیسی، شما را به حضور خدا وارد ساخته و به مشارکت زنده و مستمر با وی رهنمون می‌سازد. بگذارید واکنش شما به پیام خدا در مورد خون عیسی و دلیری و جسارتی که به شما عطا می‌کند در این لحظه دقیقاً این باشد که با اطمینان کامل به خدا نزدیک شوید و به عمیق‌ترین نوع مشارکت با خدا دست یابید و اگر قلبتان شما را مذمت می‌کند یا دلسردی و بی‌ایمانی ورودی واقعی را برای شما ناممکن می‌کند آرام نگیرید تا زمانی که قدرت خون عیسی در نزدیک شدن شما به خدا برایتان ثابت شود و به آن ایمان بیاورید.

مؤخره

۱- اکنون در نظر شما کدام یک بزرگتر به نظر می‌رسد: گناه شما یا خون عیسی؟ تنها یک پاسخ می‌تواند وجود داشته باشد. پس نزدیک شده و به قدس‌الاقداص داخل شوید. همانگونه که گناه شما تاکنون شما را دور نگاه داشته بود اجازه بدهید که اینک خون عیسی شما را نزدیک بیاورد و خون مسیح به شما دلیری و قدرت خواهد داد تا در آنجا ساکن شوید.

۲- یک قطره از این خون که از قدس‌الاقداص بر وجود انسانی ریخته می‌شود، وجدان را کامل ساخته و هیچ اثری

از گناه در آنجا باقی نمی‌گذارد و ما را قادر می‌سازد تا در مشارکت با خدا و پسرش زندگی کنیم. انسانی که با خون مسیح تطهیر شده قادر است از خزاین آسمانی بهره‌مند شود و خدمت به خدای زنده را بجا آورد.

۳- و این خون با قدرت آسمانی تطهیرکننده‌اش می‌تواند وجود ما را پاک نگاه دارد. «لیکن اگر در نور سلوک می‌نماییم همانگونه که وی در نور است» و اگر در قدس‌الاقداس زندگی می‌کنیم؛ یعنی در نور روی وی، «با یکدیگر شراکت داریم و خون پسر او عیسای مسیح ما را از هر گناه پاک می‌سازد»، تا اینکه هیچ گناهی ما را لمس نکند تا ما از مشارکت با پدر محروم شویم.

۴- این موضوع را درک کنید که قلب پدر آسمانی چقدر مشتاق است تا فرزندانش با دلیری و جسارت به وی نزدیک شوند. او خون پسر خود را داد تا این امر را ممکن سازد. بیایید تا با ورود دلیرانه خود به قدس‌الاقداس خدا و خون مسیح را مکرر بداریم.

طریق تازه و زنده

قدس‌الاقداس برای ما گشوده شده است تا وارد آن شده و به حضور خدا حاضر شویم و با سکونت در آنجا به وی خدمت کنیم. خون قربانی مسیح که به آسمان برده شد تا گناهان بشر را تا به ابد تطهیر نماید، به ما این حق و دلیری را می‌دهد تا وارد قدس‌الاقداس شویم. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که اگر ما بخواهیم از دروازه گشوده شده داخل قدس‌الاقداس شویم به راستی چه طریقی ما را به درون هدایت می‌کند؟ این طریق که تنها طریق صحیح است، طریق تازه و زنده‌ای است که عیسی آن را به جهت ما از میان پرده؛ یعنی جسم خود مهیا نموده است. دلیری و جسارتی که در خون مسیح داریم در واقع حق و اجازه‌ای است که عیسی برای نزدیک شدن ما به خدا برایمان کسب کرده است و ما هنگامی این دلیری را می‌یابیم که مرگ نیابتی او را به جای خودمان بپذیریم. او برای ما آنچه را که خود نمی‌توانستیم انجام دهیم به عمل آورد؛ یعنی کفاره‌ای برای گناهان تدارک دید و برای همیشه مسأله گناه را از میان برداشت. طریق تازه و زنده از میان پرده پاره شده؛ یعنی بدن او، اشاره به مرگ او دارد بدین معنی که وی به عنوان پیشوا و رهبر ما طریقی را به سوی خدا گشود که او خود نخست در آن گام برداشت و آنگاه ما را به سوی خود خواند تا او را پیروی نماییم.

مرگ عیسی تنها باعث تقدیس قدس نوین و انعقاد عهد جدید نشد، بلکه همچنین طریق تازه‌ای به حضور قدوس خدا و مشارکت با وی گشود. شخصی که به خون ریخته شده وی به عنوان عاملی که به او دلیری و جسارت می‌دهد ایمان دارد باید همچنین به طریقی که او مفتوح نمود و در آن گام برداشت ایمان داشته باشد، اما این طریق کدام است؟ این طریق از میان پرده؛ یعنی جسم اوست. پرده قدس‌الاقداس جسم می‌باشد؛ یعنی پرده‌ای که انسان را از خدا جدا می‌ساخت جسم بود که به معنای طبیعت انسانی تحت قدرت گناه است. مسیح در شباهت جسم گناه ظاهر شد و در میان ما در این سوی پرده قدس‌الاقداس ساکن شد. کلمه جسم گردید و در جسم و خون شریک گشت. زمانی که وی در جسم بود همانند ما وسوسه شد و با فریاد شدید و اشکها نزد خدا دعا و تضرع کرد. او اطاعت نمودن تا به موت را آموخت. او اراده خود را در مرگ خویش تسلیم کرد تا تنها اراده خدا برقرار باشد. به واسطه پرده پاره شده، جسم و اراده و حیات مسیح که در مرگ وی تسلیم خدا شده بود وارد قدس‌الاقداس شد، چون همانند انسان گشت خویشتن را فروتن ساخت و تا به موت مطیع گردید بدین سبب خدا نیز او را به غایت سرافراز گردانید.

از میان پرده شکافته شده او به تخت خدا جلوس نمود و این طریقی است که او برای ما تدارک دیده است. ما تنها هنگامی می‌توانیم برای خدا و در اراده او زندگی کنیم که از اراده خود دست بشویم. طریقی که مسیح با مرگ نیابتی خویش در آن کفاره گناهان ما را مهیا کرد طریقی است که او آن را برای ما مفتوح نمود تا در آن سلوک کنیم؛ یعنی طریق اطاعت نسبت به اراده خدا. «مسیح نیز برای ما عذاب کشید و شما را نمونه گذاشت تا در اثر قدم‌های وی رفتار نمایید.» مسیح کاهن اعظم ما به همان شکلی که قربانی گناهان ما و نیز نجات‌دهنده ماست به همین شکل نیز پیشوا و طلایه‌دار ما در ورود به قدس‌الاقداس است. طریق او طریق ماست. همانگونه که وی جز از طریق رنج بردن، اطاعت و قربانی کردن خود نمی‌توانست قدس‌الاقداس را مفتوح کند و به خاطر ما وارد آن شود به همین شکل نیز تا ما این طریق را در پیش نگیریم قادر نخواهیم بود وارد قدس‌الاقداس شویم.

این گفته مسیح همانقدر که در مورد خودش صادق است در مورد شاگردانش نیز صدق می‌کند: اگر دانه گندم که در زمین می‌افتد نمیرد تنها ماند، لیکن اگر بمیرد ثمر بسیار آورد. «هر که در این جهان جان خود را دشمن دارد تا حیات جاودانی آن را نگاه خواهد داشت.» قانونی که بر زندگی پولس حاکم بود قانون زیستن برای ایمانداران بود: «پیوسته قتل عیسای خداوند را در جسد خود حمل می‌کنیم تا حیات عیسی هم در بدن ما ظاهر شود.» طریق ورود به قدس‌الاقداس طریق پرده شکافته شده و طریق قربانی شدن و مردن است. برای اینکه گناه را از میان برداریم به جز طریق عیسی طریق دیگری وجود ندارد. هر کس که کار تمام شده او را می‌پذیرد قدرت و روحی را که برای انجام این کار لازم است نیز دریافت می‌کند. همانگونه که برای استاد لازم بود برای هر انسان دیگری نیز لازم است که با قربانی کردن نفس گناه را از میان بردارد. مرگ مسیح واقعه‌ای کاملاً نوین بود. حیات پس از رستاخیز وی نیز چنین است و حیاتی پس از پشت سر گذاشتن مرگ پدیده‌ای است که هرگز دیده نشده است. این حیات و مرگ نوین طریق تازه و زنده‌ای را به وجود می‌آورد که ما باید در آن سلوک نماییم؛ یعنی طریق نوینی از حیات که در آن ما به خدا تقرب می‌جوئیم.

همانگونه که عیسی وقتی از خوردن جسد خود به عنوان خوراک روزانه سخن می‌گفت بسیاری گفتند: «این کلام سخت است. که می‌تواند آن را بشنود؟ که می‌تواند نجات یابد؟» به همین شکل نیز هنگامی که روح‌القدس با ما در مورد ورود هر روز به قدس‌الاقداس از میان پرده پاره شده سخن می‌گوید بسیاری ممکن است همین سخنان را بر زبان آورند. برای اشخاص مشتاق، با ایمان و مطیع همه چیز ممکن است، زیرا این طریق، طریقی تازه و زنده است. عبارت طریقی تازه به معنای طریق نوین است؛ یعنی که کهنه نمی‌شود و زوال نمی‌پذیرد (عبرانیان ۸: ۱۳)، بلکه همواره کمال و تازگی خود را حفظ می‌کند. این طریق، طریقی است که هنگامی که عیسی طریق اول را برداشت تا طریق نوین را استوار سازد آن را مفتوح نمود (عبرانیان ۱۰: ۹) و به ما نشان داد که نه قربانی‌های سوختنی، بلکه قربانی نمودن اراده خودمان برای انجام اراده خدا چیزی است که خدا را راضی و خشنود می‌سازد. در مورد هر طریق باید انسانی وجود داشته باشد که در آن سلوک نماید و شخص نمی‌تواند فقط بخشی از زندگی یا قوت خود را در این طریق قربانی سازد.

این طریق؛ یعنی طریق اطاعت، رنج، قربانی کردن خود و مرگ هر چقدر هم مشکل به نظر برسد و از نظر انسانی پیمودن آن غیرممکن باشد، ولی طریقی زنده است. در این طریق نوین نه تنها مسیری تازه در زندگی گشوده می‌شود، بلکه قوت لازم نیز برای پیمودن این راه مهیا می‌شود. این طریق در قوت بی‌پایانی که مسیح را کاهن اعظم گردانید عمل می‌کند. ما مشاهده می‌کنیم که روح‌القدس چگونه بر طریق ورود به قدس‌الاقداس نظارت می‌کند و چگونه به عنوان روح ازلی، مسیح را قادر ساخت تا این طریق را مفتوح نماید و خویشتن را بدون عیب و گناه به خدا تقدیم کند. این قدرت عظیم روح‌القدس است که بر این طریق مسلط بوده و با حیات الهی قوه محرکه آن محسوب می‌شود. هنگامی که با مسیح شریک می‌گردیم و توسط او نزد خدا می‌آئیم، حیات او؛ یعنی قانون روح حیات در مسیح عیسی، متعلق به ما می‌شود و ما در قوت او در اثر قدم‌های وی رفتار می‌کنیم. طریق ورود به قدس‌الاقداس طریق زنده‌ای است که در آن کاملاً شبیه عیسی می‌شویم و این امر توسط روح‌القدس در ما تحقق می‌یابد.

ما اکنون می‌دانیم که طریق تازه و زنده برای ورود به قدس‌الاقداس کدام است. این طریق، طریق موت است. به طریق موت طریق حیات است. تنها طریقی که می‌تواند ما را از بند طبیعت سقوط کرده و لعنت و قدرت ناشی از آن رها سازد این است که نسبت به این طبیعت کهنه بمیریم. اگرچه طبیعت انسانی که مسیح بر خود گرفته بود کاملاً عاری از گناه بود، ولی وی هیچ عملی بر طبق این طبیعت انجام نداد و به شکل کامل خویشتن را انکار کرد و این طبیعت انسانی را انکار نمود و نسبت به آن مرد. او اراده خود را تسلیم کرد تا تنها اراده خدا را بجوید. این طریق برای او طریق زندگی بود و برای ما نیز طریق زنده است. اراده ازلی خدا را کاملاً بپذیرید. اراده خدا را که در احکام او در کلامش مستتر است به شکل کامل بپذیرید. اراده کامل خدا را در هدایت‌های روح او جستجو کنید. به خداوند بگویید که اینک می‌آیم تا اراده تو را بجا آورم و اجازه دهید تا اراده خدا تنها هدف زندگی شما باشد.

همانگونه که برای مسیح این امر تنها هدف زندگی بود برای ما نیز باید چنین باشد. حتی اگر برای تحقق این امر مجبور به گذشتن از مرگ باشیم. هنگامی که ما او را در قدرت رستاخیز وی می‌شناسیم او ما را به سوی مشابَهت به مرگ خودش رهنمون می‌سازد. او این کار را با قدرت روح‌القدس انجام می‌دهد بنابراین حیات و مرگ او؛ یعنی مرگ

و زندگی نوینی که بارهایی از گناه همراه بود و نیز مشارکت با خدا که او طریق آن مفتوح نمود، مرگ او نسبت به اراده انسانی‌اش و بجا آوردن کامل اراده الهی، در ما عمل می‌کند و ما با بودن با وی در هر کجا که وی می‌باشد، کاملاً در اراده الهی قرار می‌گیریم. «چونکه دلیری داریم تا از طریق تازه و زنده وارد شویم پس نزدیک بیاییم».

مؤخره

۱ - هنگامی که یک ایماندار با استفاده از دلیری و جسارتی که در خون مسیح دارد وارد قدس‌الاقداص می‌شود، آنچنان که باید معنای طریق تازه و زنده را درک نمی‌کند. کافی است که او صاحب قلبی پاک و بی‌ریا باشد و حاضر باشد تا خویشتن را انکار نموده و صلیب خود را بردارد. برای چنین شخصی در زمان مناسب آشکار خواهد شد که مشارکت کامل او با خداوندش در طریقی که وی با اطاعت خود تا به موت آن را مفتوح کرد چه معنایی دارد.

۲ - طریق تازه و زنده طریقی نیست که تنها یک بار از آن وارد شویم، بلکه طریقی است که می‌توان هر روزه در آن سلوک کرد و محبت و اراده الهی را عمیق‌تر تجربه نمود.

۳ - طریق زندگی طریق مرگ است. نفس و زندگی انسانی آنچنان غرق در گناه بوده و اسیر قدرت آنند که تنها از طریق مرگ می‌توان از بند آنها رهایی یافت، اما خدا را شکر! طریق مرگ طریق حیات است و با قدرت رستخیز مسیح و سکونت وی در ما، جرأت می‌یابیم در این طریق گام برداریم.

۴ - هر کس که اشتیاق دارد در تمام طول روز در حضور ناپیدای خدا ساکن شود هم اینک، یک بار برای همیشه طریق تازه و زنده را بپذیرد و وارد آن شود و عیسی توسط روح‌القدس شما را در این طریق حفظ نموده و هدایت خواهد نمود.

کاهنی بزرگ بر خانه خدا

از نمادهایی که در آیین پرستشی عهد عتیق وجود داشت، چهار نماد باید به شکل خاص مورد توجه قرار گیرند، زیرا نشان‌دهنده راز نجاتی بودند که در آینده باید مکشوف می‌شد. این چهار نماد عبارتند از: «قدس، خون، طریق قدس‌الاقداص و کاهن». سه مورد اول را با مفهوم آسمانی‌شان مورد بررسی قرار دادیم و اکنون به مورد مهم چهارم می‌پردازیم؛ یعنی به شخصیت زنده عیسی که کاهنی اعظم بر خانه خداست. آگاهی از امکانی که وی برای من فراهم ساخت؛ یعنی امکان ورود به قدس‌الاقداص و آگاهی از آنچه که وی برای تحقق این امر انجام داد؛ یعنی ریختن خورش و نیز آگاهی از این امر که باید وارد این طریق شده و از ثمراتش برخوردار شوم، علاوه بر همه این موارد حقیقت عالی دیگری نیز وجود دارد که باید از آن آگاه باشیم و آن حقیقت این است که فرزند زنده و پر محبت خدا شخصا در قدس‌الاقداص حضور دارد تا مرا بپذیرد و مرا شریک همه برکاتی سازد که خدا برایم در نظر گرفته است. نکته اساسی در این است، ما کاهن اعظمی داریم که بر دست راست خدا در آسمان نشسته است. پس ای برادران، چون کاهنی بزرگ بر خانه خدا داریم نزدیک بیاییم.

اما اینک ما احتیاج داریم عیسی چه کاری برای ما انجام دهد؟ آیا او آنچه که لازم بود برای ما انجام نداده است؟ قدس‌الاقداص مفتوح شده و توسط خون مسیح جرأت و دلیری به ما داده شده است. طریق زنده برای ما به وجود آمده است تا وارد قدس‌الاقداص شویم، دیگر چه کاری باقی مانده است تا عیسی برای ما انجام دهد؟ هیچ چیز. آنچه که لازم بود انجام بگیرد یک بار برای همیشه انجام شده است. اکنون چرا باید به او به عنوان کاهن اعظم خانه خدا متوسل شویم؟ زیرا ما به خود عیسای زنده احتیاج داریم تا آنچه را که انجام داده است در ما تبدیل به حقیقت و زندگی کند. آری ما به خود وی احتیاج داریم تا آنچه را که انجام داده است در ما تبدیل به حقیقت و زندگی نماید. آری ما به خود وی احتیاج داریم تا حقیقت و حیات خود را در ما به وجود آورد و آنچه که ما باید از او انتظار داشته باشیم چیست؟ انتظار ما از او باید این باشد که کار انجام شده توسط او برای ما تبدیل به واقعیتی درونی شود و آن را به عنوان قدرت حیات بی‌پایانی که وی به عنوان کاهنی اعظم برای آن مقرر شده تجربه کنیم.

در این رساله می‌خوانیم که چون او دائماً زنده است قادر است نجات بی‌نهایت ببخشد. نجات به یک معنی تجربه‌ای

ذهنی و درونی است که در آرامش و تقدسی که وی عطا می‌کند دیده می‌شود. زندگی، انسانیت درونی، قلب، اراده و عواطف ما باید از قدرت گناه‌رهایی یابند و از تجربه متبارک‌رهایی از گناه برخوردار شوند. ما باید در قلب خود قدرت نجات‌وی را احساس کرده و آن را تجربه کنیم. همانگونه که گناه با قدرت عملی و تسلط خویش در درون ما، قوت و نفوذ خود را ثابت می‌کند، عیسی نیز پیروزی و تسلط فیض نجات‌بخش خود را ثابت می‌کند. عملکرد اصلی عیسی به عنوان کاهنی بر خانه خدا این است که ما را به درون این خانه بیاورد و قادرمان سازد تا در آن زندگی کنیم. وی با ایجاد همدردی، هماهنگی عملی و مشارکت بین انسان و خدا این امر را متحقق می‌سازد. ما در فصل هشتم این رساله می‌بینیم که وی چگونه به عنوان خادم خانه خدا آنچه را که لازم بود نسبت به خدا بجا آورد انجام داد و به عنوان واسطه عهد جدید چگونه آنچه را که بر زمین و در قلب ما باید انجام می‌داد بجا آورد و در هر دو مورد وی کار خویش را به شکل کامل انجام داد. در شخصی که می‌داند از او چه انتظاری داشته باشد و به او توکل می‌کند، این دو خدمت توسط مسیح انجام می‌شوند. هر عمل عیسی که به خاطر ما در حضور خدا انجام می‌پذیرد تأثیر مناسب خویش را در قلب انسان بر جای می‌گذارد.

اما این تأثیر چگونه است؟ پاسخ این است که به خاطر اتحاد و یگانگی وی با ما این تأثیر ممکن می‌شود. عیسی آدم دوم و سرمنشأ نژاد نوین انسانی است. او به خاطر اینکه از انسانیت واقعی برخوردار است صاحب این مقام است و به واسطه این مقام دارای قدرت واقعی الهی است که همه را پر می‌سازد. همانگونه که آدم برای ما به عنوان یک پیشرو به قلمرو موت داخل شد و در همه ما قدرت موت و گناهی که در وی وجود داشت عمل می‌کند، به همین شکل نیز عیسی برای ما به عنوان یک پیشرو به حضور خدا داخل شد و قدرت کامل موت، حیات و رستخیز وی در ما عمل می‌کند و ما را با قدرت الهی‌اش به حضور خدا بلند ساخته و به او نزدیک می‌سازد. خدا فقط در صورتی از یک مشارکت راضی می‌شود که در آن مشارکت صورت فرزند محبوب خود را ببیند. تقرب به خدا یا پرستش حقیقی تنها در صورتی میسر است که ما فکری، چون فکر مسیح داشته باشیم و این امر در صورتی ممکن می‌شود که روح و طبیعت وی در ما ساکن شود. اکنون کار او به عنوان کاهن اعظم این است که روح خود را در ما بدهد و در اتحادی زنده با خود ما را نزد خدا بیاورد. آری عیسی با حیات الهی و آسمانی‌اش و با قدرت تخت الهی که بر آن تکیه زده است به ژرفای وجود ما وارد شده است؛ یعنی جایی که طبیعت کهنه آدم و گناه عمل می‌کنند. عمل بی‌وقفه عیسی در ژرفای وجود ما با بلند کردن ما به سوی حضور خدا در آسمان و آوردن حضور خدا بر زمین و در قلب ما همواره ادامه دارد.

اما چرا ما آنچنان که باید از چنین امتیاز و فیضی که برای ما مقرر شده استفاده نمی‌کنیم و برای اینکه کاملاً از آن برخوردار شویم به چه چیز نیاز هست؟ از سوی دیگر عیسی چگونه می‌تواند حقیقتاً کاهن اعظم ما باشد و عملاً ما را از زندگی در قدس‌الاقداس برخوردار سازد؟ دلیل عمده برخوردار نشدن ما از این فیض ناآگاهی ما از حقیقت روحانی است که این رساله سعی می‌کند آن را تعلیم دهد که ما را به سوی کمال روحانی هدایت می‌کند و خصوصاً ناآگاهی از شهادتی است که روح‌القدس در مورد قدس‌الاقداس می‌دهد. برای رفع این مشکل، تنها نیاز ما این است که کاهن اعظم و روح وی را پذیرفته و بر آن توکل کنیم تا در قدرت در ما عمل کند. به این حقایق مهم عمیقاً توجه کنید. هنگامی که کاهن اعظم ما یک بار برای همیشه وارد قدس‌الاقداس شد و بر روی تخت الهی جلوس کرده با قدرت خویش روح‌القدس را به قلوب شاگردان فرستاد با این عمل به واسطه روح‌القدس کاهن اعظم تبدیل به نجات‌دهنده‌ای شد که همواره در میان شاگردان ساکن و حاضر بود و محبت و حضور الهی را در قلب آنان مستقر می‌ساخت.

این عطای پنی‌کاستی، در قدرت مسیح جلال یافته‌ی طریقی کامل برای اعمال قدرت کهنات عیسی است. تنها پری روح‌القدس در زندگی روزمره، حضور مسیح را در ما متحقق می‌سازد و با تداوم سکونت وی می‌تواند ما را از تجربه حضور خدا به شکل کامل برخوردار سازد. عیسی کاهن اعظمی نیست که به دور از ما از فاصله‌ای دور بتواند ما را نجات دهد. خیر او به عنوان آدم دوم اگر در ما نباشد جای دیگری نمی‌تواند باشد. دلیلی که باعث می‌شود تا حقیقت کهنات آسمانی او غالباً قدرتی نداشته باشد این است که ما به آن به عنوان واقعیتی خارجی و دور از خود می‌نگریم؛ یعنی این کهنات را به عنوان عملکردی که بر فراز آسمان انجام می‌گیرد در نظر می‌گیریم. یکی از طرق مقابله با این نگرش نادرست این است که درک کنیم کاهن اعظم ما بر خانه خدا، عیسی جلال یافته است که به وسیله روح‌القدس در ما حاضر است و به وسیله روح‌القدس قدرت و حضور خود را به همان شکلی که در آسمان است در ما واقعی و زنده می‌گرداند.

او کاهنی بر خانه خدا؛ یعنی در مکانی است که خدا در آنجا ساکن است. ما نیز خانه او هستیم و همانگونه که عیسی در قدس آسمانی خدمت می‌کند به همان شکل نیز هر لحظه در قدسی که در درون ماست مشغول خدمت است. از این جهت ای برادران، چونکه کاهنی اعظم بر خانه خدا داریم که در قلب و عمق وجود ما جای گرفته است، پس بیایید نزدیک شویم. بگذارید خود عیسی که بر تخت الهی تکیه زده است با محبت و قوت خویش، تنها اشتیاق، امید و خوشی قلب ما باشد و آنگاه وی ما را از ثمرات آنچه که برایمان انجام داده است برخوردار خواهد ساخت.

مؤخره

۱ - شما مطالب بسیاری در مورد عیسی می‌دانید، اما این موضوع را می‌دانید که عمده‌ترین و مهم‌ترین کار وی این است که شما را نزد خدا آورده و به او بسیار نزدیک سازد؟ آیا او این کار را برای شما انجام داده است؟ اگر چنین نیست به او توکل کنید و از او بخواهید که این کار را برای شما انجام دهد.

۲ - من به خود عیسی احتیاج دارم. تنها خود وی می‌تواند مرا راضی سازد. تنها با ایمان مقدس به عیسای مهربان و شفیق و در محبت مقدس وی که ما را برادران خود خوانده است می‌توانیم به خدا نزدیک شویم. حضور خدا، تنها در قلبی که با ایمان و محبت و فداکاری خویشتن را تسلیم عیسی نموده است احساس خواهد شد.

۳ - ما چنین کاهن اعظمی داریم! آری بگویید که او کاهن اعظم من است و با تمام قدرت و محبتش به من تعلق دارد و خود را تسلیم وی کنید تا کار خویش را انجام دهد. او همواره در مقام کهنات خویش خدمت می‌کند بنابراین ما نیز می‌توانیم در حضور پنهان خدا همواره از زندگی متبارک برخوردار شویم.

دل راست

ما چهار برکت عالی پرستش عهد جدید را که خدا توسط آنها ما را تشویق می‌کند تا به وی نزدیک شویم بررسی کردیم. اکنون چهار عامل عمده دیگری را که خدا انتظار دارد هنگام نزدیک شدن به ما از آنها برخوردار باشیم بررسی خواهیم کرد. در طبیعت انسانی قلب اهمیت محوری دارد. وضعیت هر شخص انعکاس حالت قلبی اوست. اشتیاق و انتخاب قلب هر شخص و محبت و نفرتی که حاکم بر آن است نشان‌دهنده این هستند که یک فرد چه شخصیتی دارد و نیز مشخص می‌کنند که تبدیل به چه چیز خواهد شد. همانگونه که ما از روی خصوصیات ظاهری یک شخص در مورد ویژگی‌های بدنی، قد، توانایی و سن و عادات وی قضاوت می‌کنیم به همین شکل نیز قلب انسان خصوصیات واقعی و درونی یک شخص را برای ما روشن می‌سازد. خدا نیز به قلب هر شخص که نمایانگر شخصیت نهفته وی است می‌نگرد. خدا در مسیح به ما اجازه داده است که به مکان مخفی سکونت وی داخل شویم؛ یعنی مکان مقدس حضور وی و در واقع به درون قلب وی وارد شویم.

بنابراین تعجبی ندارد که هنگامی که وی ما را به سوی خود می‌خواند نخستین چیزی که از ما می‌خواهد قلبی پاک و راستین است. وجود باطنی ما باید در حقیقت و راستی تسلیم به او شده و برخوردی راستین نسبت به او داشته باشد. مذهب واقعی مذهبی است که با دل و حیات درونی انسان سر و کار دارد. یک شخص تنها هنگامی می‌تواند به خدا نزدیک شود که اشتیاق قلبی‌اش معطوف به خدا باشد و وی را بجوید و با نثار محبت خود به وی خوشی خود را در او بیاید. دل انسان با این قابلیت و ظرفیت خلق شده است که بتواند رابطه‌ای لذتبخش با خدا داشته باشد و از محبت او برخوردار شود. حالت قلبی یک شخص نسبت به مذهب، قدوسیت، محبت، نجات و خدا در واقع نشان‌دهنده برخورد واقعی وی با این مسایل است. هر چقدر که حضور مسیح به وسیله روح خود در قلب یک شخص عمیق‌تر باشد افکار و اراده آن شخص را بیشتر به خود شبیه سازد به همان اندازه نیز پرستش و خدمت این شخص بیشتر مقبول خدا خواهد بود. ملکوت خدا کاملاً وابسته به حالت قلبی یک شخص است بنابراین خدا از ما دلی راستین را طلب می‌کند.

با مطالعه قسمت‌های دیگری از این رساله و بررسی مفاهیمی، چون خیمه حقیقی و مکان حقیقی (۸: ۲، ۹: ۲۴)، معنای واژه راستین و حقیقی برای ما بیشتر روشن می‌شود. برای مثال، خیمه نخستین در زمان موسی تنها نمونه و سایه‌ای از خیمه حقیقی بود. در واقع در آن زمان نوعی خدمت و پرستش مذهبی وجود داشت، اما این نوع خدمت فاقد قدرت واقعی و ماندگار بود و قدرت نداشت تا پرستنده را کامل گرداند. تصویر واقعی، مفهوم و حقیقت این امور آسمانی تنها با آمدن خون مسیح مکشوف گشتند. خدا نیز اینک برای ورود به قدس آسمانی حقیقی قلبی راستین و حقیقی را

طلب می‌کند. عهد قدیمی با خیمه و پرستش خاص خود که حکم سایه‌ای از چیزهای آینده را داشت، نمی‌توانست قلب قوم اسرائیل را تبدیل به قلبی راستین و حقیقی سازد. در عهد جدید، نخستین وعده خدا این است که احکام خود را در قلب ایشان خواهم نوشت و قلبی تازه به آنان خواهم داد. بنابراین او پسر خویش را که پر از فیض و راستی است به ما داده است و آنگاه او به عنوان خادم این عهد جدید را قدرت حیات و بی‌زوال، در ما عمل می‌کند و احکام الهی را بر قلب ما می‌نگارد و در چنین وضعی او ما را می‌خواند تا با قلبی راست به او نزدیک شویم.

خدا به قلب ما توجه دارد. افسوس که بسیاری از مسیحیان هنوز با خدمتی از نوع خدمت عهد عتیق به خدا خدمت می‌کنند! این اشخاص در فرصت‌های خاصی کتاب مقدس می‌خوانند، دعا می‌کنند و به کلیسا می‌روند، اما وقتی که به این موضوع توجه می‌کنیم که قلب این اشخاص به محض اینکه خود را از بند محدودیت‌ها رها احساس می‌کند به راحتی و به سرعت معطوف امور دنیوی می‌شود درمی‌یابیم که قلب این اشخاص در زندگی روحانی‌شان جایگاه حقیقی را ندارد. پرستش آنان پرستش یک قلب راستین که کاملاً وقف خدا شده است نیست. قلب این اشخاص و حیات و خوشی و محبتی که در آن وجود دارد هنوز در خدا کمال خود را نیافته است. زندگی روحانی چیزی بیش از اندیشه‌ها و فعالیت‌ها و نیز تصورات و مفاهیم و آرزوهایی است که در واقع نمونه‌هایی قدیمی و سایه‌هایی بیش نیستند. زندگی روحانی همچنین چیزی بیش از اراده و قدرت انسانی است. این زندگی در واقع امری است که به قلب انسان و حیات درونی وی و نیز روح‌القدس که خدا به ما عطا کرده است مربوط می‌شود. روح عیسی، اعتراف گناهان و تسلیم به اراده خدا را که از روی ایمان به فیض او انجام می‌گیرد، برای ما تبدیل به واقعیتی زنده می‌گرداند و هر یک از این موارد را برای ما وسیله‌ای برای بیان آنچه که در درون ما می‌گذرد می‌گرداند و مجموعه این عوامل آنچه را که ما دل راست می‌نامیم شکل می‌دهند.

از ما دعوت می‌شود که با دل راست نزدیک بیابیم. اجازه ندهیم کسی به علت ترس دور بماند و بگوید: «دل من راست نیست.» برای اینکه دلی راست داشته باشیم هیچ راهی وجود ندارد، مگر اینکه در عمل، در پی داشتن آن باشیم. خدا به شما به عنوان فرزند خود فیضی عالی بخشیده است و قلبی تازه داده است، اما شما باید پی به این حقیقت برده باشید. جهل، بی‌ایمانی و ناطاعتی می‌توانند این قلب تازه را ضعیف و لرزان سازند، ولی در چنین صورتی نیز ضربان آن را می‌توان حس نمود. این رساله با هشدارهای جدی و تعالیم پر برکتش با این قصد نوشته شده است تا اشخاص را هشدار نماید و شفا دهد. همانگونه که عیسی به شخصی که دستش خشک شده بود فرمود برخیز، از تخت آسمانی خود نیز خطاب به شما می‌گوید بیا و با دل راست وارد شو. در حین اینکه شما مردد هستید و به درون خود می‌نگرید تا احساس کنید یا مطمئن شوید که صاحب دلی راست هستید و به عبث در پی این هستید که کاری را انجام دهید که برای داشتن دلی راست انجام آن لازم است، او مجدداً خطاب به شما می‌گوید: «دستانت را دراز کن.» هنگامی که عیسی با شخصی که دستش خشک بود سخن گفت و از او خواست که برخیزد و در برابر او بایستد، این شخص قدرت نگاه و کلام عیسی را درک کرد و دست خود را دراز نمود.

شما نیز به همین شکل دست خویش را دراز کنید، برخیزید و جد و جهد کنید تا قلب خشکیده‌تان که به خوبی از درماندگی و بی‌کفایتی خود آگاه است به حضور خداوند داخل شود تا کامل شود. قلب ما با اطاعت از دعوت ورود به قدس‌الاقداص، ثابت می‌کند که دلی راستین است؛ یعنی دلی که حاضر است تسلیم خداوند خود شده و از او اطاعت نماید، همه چیز را تسلیم او نماید و در حضور نهانی خداوند حیات خویش را بیابد. آری، عیسی کاهن اعظم ما بر خانه خدا و تحقق بخشنده و واسطه عهد جدید، به شما قلبی نوین می‌بخشد و شما را می‌خواند تا با دلی راست نزدیک بیابید. در سال‌های اخیر، خدا در میان قوم خود این اشتیاق را به وجود آورده است تا در پی قدوسیت بکوشند و مشتاق ورود به قدس‌الاقداص باشند و حیاتی مملو از مشارکت با خدای قدوس داشته باشند. در تعلیمی که خدا در رابطه با این هدف مورد استفاده قرار می‌دهد دو واژه نقشی محوری دارند که عبارتند از وقف و ایمان.

این واژه‌ها دقیقاً مسایلی هستند که در ابتدا باید مطرح شوند؛ یعنی دلی راست و یقین ایمان. دل راست در مواقعی به معنای وقفی حقیقی است؛ یعنی روحی که اشتیاق دارد تا کاملاً برای خدا زندگی کند و با خوشی همه چیز را فدا می‌کند تا کاملاً وقف خداوند باشد. مهم‌تر از همه این روح خودش را وقف خدا می‌کند و خود را تحت حاکمیت و اقتدار خدا قرار می‌دهد. یک زندگی روحانی حقیقی، عبارت از حیاتی درونی است که وابسته به قدرت روح‌القدس می‌باشد. دل راست حقیقتاً وارد قدس حقیقی؛ یعنی حضور متبارک و نهان خدا می‌شود تا در طول همه ایام زندگی در آنجا ساکن

باشد. بیاید تا به عمق محبت خدا وارد شویم و روح القدس نیز به عمق قلب ما وارد خواهد شد. بیاید تا با دلی راست و با آمادگی و اشتیاق کامل نزدیک بیایم و برکت الهی را بیایم.

مؤخره

۱ - اگر شما به ساختار وجودتان بنگرید متوجه خواهید شد که قلب و فکر شما دو مرکز عمده حیات و عملکرد شما هستند. مطالعه و اندیشه فراوان فکر شما را خسته می‌سازد، عواطف و هیجانات شدید نیز بر قلب شما تأثیر می‌گذارند. خدا می‌خواهد قلب شما؛ یعنی قدرت اشتیاق، عاطفه و اراده شما متعلق به او باشد. قلب و فکر شما در شراکت و هماهنگی با یکدیگر هستند. خدا به ما می‌گوید که قلب ما باید ما را راهنمایی کند و بر ما حاکم باشد و او می‌خواهد که این قلب متعلق به او باشد. روحانیت ما گاهی بیش از حد در فکر ما متمرکز می‌شود؛ یعنی در شنیدن و خواندن و اندیشیدن. برحذر باشیم که مبدا این امر ما را منحرف سازد. اجازه دهیم که فکر و قلب ما همیشه در کنار یکدیگر قرار بگیرند و اجازه دهیم تا قلب برتری و تفوق خود را نشان بدهد. بیاید تا با دلی راست نزدیک بیایم.

۲ - دلی راست - به معنای راست در آنچه که در مورد خودش می‌گوید راست در مورد آنچه که در مورد خدا می‌گوید به آن ایمان دارد و راست در آنچه که اعتراف می‌کند از خدا یافته است و به خدا داده است.

۳ - خدا می‌خواهد در قلب ما ساکن شود. خدا می‌خواهد در قلمرو قلب ما برکت عظیمش را جاری سازد. ما باید با قلب خود محبت و نیز خوشی حضور خدا را تجربه کنیم. بیاید تا با دلی راست نزدیک شویم.

یقین ایمان

برای برخورداری کامل از آنچه که خدا برای ما مهیا نموده است و برای یافتن وعده‌هایی که خداوند برای ما مقرر نموده است، یقیناً احتیاج داریم که از یقین ایمان برخوردار باشیم. انسان گناهکار با چنین پیامی رو به روست: اقامت دائمی در قدس الاقداس و مشارکتی خدشه‌ناپذیر با خدای قدوس، مشارکتی که واقعی‌تر و نزدیک‌تر از رابطه‌ای است که شخص تاکنون با نزدیکترین دوست یا شریک زندگی‌اش تجربه کرده است. یک ایماندار مطمئن است که خون مسیح قادر است وجدان او را با چنان قدرتی پاک کند که او با وجدانی کامل و یقینی خدشه‌ناپذیر به خدا نزدیک شود و نیز می‌تواند از خدا بخواهد و انتظار داشته باشد که همواره در پرتو صورت بی‌نقاب وی زندگی کند. یک ایماندار این اطمینان را می‌یابد که قدرت روح القدس که از قدس الاقداس نازل می‌شود می‌تواند به او قدرت بخشد تا دقیقاً در همان طریقی گام بردارد که مسیح در سلوکش به سوی خدا در آن گام برداشت.

روح القدس قادر است این طریق را برای وی تبدیل به طریقی تازه نماید، طریقی که در آن هیچ فساد و انحطاطی دیده نمی‌شود. ما خوانده شده‌ایم تا در یقین ایمان رفتار نماییم، اما قبل از هر چیز ما خوانده شده‌ایم تا به مسیح در جلالش بنگریم. در رساله عبرانیان از مسیح به عنوان خدا و انسان، پیشوا و رهبر، ملک‌یصداق، خادم خانه خدا و متوسط عهد جدید و در یک عبارت کاهن اعظم ما بر خانه خدا نام برده شده است و ما خوانده شده‌ایم تا به وی بنگریم. همچنین ما خوانده شده‌ایم تا به وی بنگریم تا اعلان کنیم که او حقیقتاً برای ما کاهنی است که ما را به خدا نزدیک کرده و برای ما این فرصت را به وجود آورده که بر روی زمین همواره در حضور خدا ساکن شویم.

- ایمان همواره با غیرممکن‌ها سر و کار دارد. تنها قانون و معیاری که ایمان می‌شناسد این است که خدا گفته است چه چیز برایش ممکن است. هنگامی که ما به زندگی و قصورات و نیز به وجود ضعیف و گناهکار خود و اشخاص دیگری که در پیرامون ما هستند می‌نگریم این اندیشه به ذهن ما خطور می‌کند که آیا آنچه که خدا گفته است در مورد من است؟ آیا جسارت می‌کنم انتظار تحقق این کلام را داشته باشم؟ اگر برای تحقق این کلام بیندیشم و یا تلاش کنم خودم را بی‌جهت خسته نکرده‌ام؟ ای انسان هنگامی که دشمن خدا بودی و وی با خون فرزندش تو را نجات داد عکس‌العمل تو چه بود؟ آیا او مشتاق این نیست که تو را در قلب خود جای دهد؟ خدا عیسی را که تحت لعنت گناه تو مرد، از موت و قبر برخیزانید و بر تخت جلال خود نشانید آیا قادر نیست تو را هم برخیزاند و در آن سوی پرده قدس الاقداس ساکن گرداند؟ به این حقیقت ایمان بیاورید. خدا مشتاق انجام این کار است، او قادر به انجام این کار است. مسکن و قلب او حتی در این لحظه نیز جایی برای شما دارد. پس با یقین ایمان نزدیک بیایم.

- در یقین ایمان. این عبارت همچنین به بیشترین حد ایمان که در قلب می‌تواند وجود داشته باشد اشاره دارد. ما به خوبی دریافته‌ایم که ضعف ایمان ما به خاطر این است که ما سعی می‌کنیم در مورد حقیقت آنچه که خدا می‌گوید از نظر فکری هر چه بیشتر متقاعد و مطمئن شویم در حالی که برای درک و دریافت حقایق ابدی روحانی باید به قلب خود متکی باشیم. در وهله اول از ما دلی راست را طلب می‌کند و سپس به عنوان نخستین آزمایش برای آن، یقین ایمان را از ما می‌طلبد. انواع مختلف ایمان وجود دارد. ایمان یک بصیرت عمیق روحانی، ایمان طلبیدن یک امر، ایمان توکل به کلام الهی، ایمان پذیرش شخصی یک حقیقت، ایمان محبتی که در آغوش می‌کشد، ایمان اراده‌ای شکست‌ناپذیر، ایمان فداکاری و وقفی که همه چیز خود را فدا می‌کند، ایمانی که به هنگام یأس، امید کامل را حفظ می‌کند و ایمانی که تنها در انتظار خدا صبر می‌کند. دل راست همه مواردی را که در مورد ایمان ذکر کردیم در خود دارد و از یقین ایمان نیز برخوردار است که تمام وجودش را تسلیم کرده و خود را به خدا می‌سپارد تا کار الهی در وی انجام شود.

- در یقین ایمان نه در یقین فکر. آنچه خدا می‌خواهد برای شما انجام دهد عملی مافوق طبیعی است و در ورای آنچه که شما بتوانید تصور کنید قرار دارد. عمل او عملی مبتنی بر محبت است که فوق از معرفت و فهم است و می‌خواهد تمامیت وجود ما را تصاحب کند. خدا وجودی پنهان و غیرقابل درک است. روح القدس نیز حضور غیرقابل درک و پنهان خداست که عمل می‌کند. در پی این نباشید تا همه چیز را درک کنید. کلام خدا می‌گوید با دلی راست و نه با فکر مجاب شده نزدیک بیاییم. در یقین ایمان از خدا انتظار داشته باشیم تا برای شما خیلی بیشتر از آنچه که می‌توانید درک کنید انجام دهد.

- در یقین ایمان و نه در یقین احساس. هنگامی که شما به درون قدس الاقداس که اینک گشوده شده است خیره می‌شوید آوای او را که میان کرویایان ساکن است می‌شنوید که از شما دعوت می‌کند تا داخل شوید و هنگامی که شما خیره و مبهوت برای ورود و سکونت در آنجا باز هم درنگ می‌کنید آوای الهی را مجدداً می‌شنوید که می‌گوید: «با دلی راست نزدیک بیا.» پاسخ شما نیز این است که بله خداوند با تمام قلبم، با قلب جدیدی که تو به من بخشیده‌ای نزدیک می‌شوم. شما خودتان را به او تسلیم می‌سازید تا همواره در حضور او زیست کنید و تنها به او خدمت نمایید. آوای خداوند مجدداً شنیده می‌شود: «بگذار این وارد شدن همین امروز باشد، همین حالا، در یقین ایمان نزدیک شو.» شما آنچه را که او به شما بخشیده است پذیرفته‌اید. شما آنچه را که وی از شما طلب می‌کرده به وی بخشیده‌اید. شما ایمان دارید که او تسلیم شدن شما را پذیرفته است. شما ایمان دارید که کاهن اعظم خانه خدا صاحب حیات درونی شما می‌باشد و شما را به حضور خدا آورده است، ولی با وجود همه این مسایل شما هنوز احساس می‌کنید که تغییر زیادی نکرده‌اید. احساس شما همانند احساسی است که انسانیت کهنه شما داشت.

اینک زمانی است که باید به آوای الهی گوش فرا دهید، در یقین ایمان نه در یقین احساس وارد شوید! به خدا بنگرید که قادر است مافوق هر آنچه از او بطلبیم یا تصور کنیم انجام دهد. به قدرت او توکل کنید، به عیسی که بر تخت الهی تکیه زده است بنگرید که در آنجا زندگی می‌کند تا شما را به داخل قدس الاقداس بیاورد. روح مسیح صعود کرده و جلال یافته را به عنوان عطای پنطیکاستی وی اعلان کنید. به یاد داشته باشید که همه این حقایق، الهی بوده و رازهای روحانی فیضی هستند که باید در وجود شما مکشوف گردد. جدا از احساسات، بدون وجود احساسات و تنها در یقین ایمان، در ایمانی ساده و بی‌پیرایه که خدا را مکرم می‌دارد، داخل شوید. خودتان را برای خدا در مسیح عیسی زنده محسوب کنید و به حضور، محبت و درون قلب وی داخل شوید.

مؤخره

۱ - به کسانی نظر کنید که توسط ایمان و صبر وارث وعده‌ها شدند. ایمان عطای الهی را می‌پذیرد و در آن شادی می‌کند و صبر برای خوشی کامل انتظار می‌کشد بنابراین بلافاصله در زمان مناسب وارث وعده شده و آن را تجربه می‌کند. توسط ایمان بلافاصله جایگاه خودتان را در قدس الاقداس بیابید و در حیات درونی‌تان منتظر روح القدس باشید تا مکان اقدس را در وجودتان مکشوف سازد.

۲ - آنچه که خدا از شما می‌خواهد این است که با تمام قلبتان نجات کامل خدا را بپذیرید.

۳ - وضعیت حاکم در آسمان وضعیت حاکم بر زمین نیز هست. هر چه بیشتر به کمال فیضی که در مسیح وجود دارد می‌نگریم در یقین ایمان بیشتر رشد می‌کنیم. از پری او بهره گرفته و فیض به عوض فیض را می‌یابیم.

۴ - ما یک فصل کامل را به تشریح یقین ایمان و دلالت‌های آن اختصاص دادیم. بیاید تا این فصل را با این هدف مطالعه کنیم که در اراده و محبت خدا وارد این حیاتی شویم که عیسی آن را برای ما مهیا نموده است.

تطهیر قلب

در آیه ۱۹، دلیری توسط خون عیسی یکی از چهار ابزار ارزشمندی بود که خدا برای ما تدارک دیده بود. جدا از هر فایده‌ای که خون عیسی برای ما داشته باشد، موضوع خون او به ما عملاً آزادی و حق ورود را عطا می‌کند. در کنار مفتوح شدن قدس‌الاقداص طریق زنده و کاهن اعظم، خون مسیح و جسارت ما در آن نیز واقعیتی آسمانی است که باید با ایمان آن را بپذیریم. در اینجا برای بار دوم به خون اشاره می‌شود و خدا از ما می‌خواهد تا وجود خود را با این خون تطهیر کنیم. در به کارگیری خون مسیح در مورد خودمان و تجربه کردن قدرت آن باید نزدیک بیایم. ما باید همواره نسبت به تطهیر شدن قلبمان توسط خون مسیح آگاه و هوشیار باشیم و در این صورت پیوسته در حضور خدا ساکن خواهیم بود. اشاره مجدد به خون در این قسمت با آنچه که در فصل نهم در مورد خون مسیح خواندیم مطابقت دارد و عملکرد خون مسیح را دو قلمرو و ساحت نشان می‌دهد. در وهله اول مسیح با خون خود به آسمانی وارد شد تا آنچه را که در آسمان بود تطهیر کند و آن نوع تطهیری را که باید بر تخت رحمت انجام می‌گرفت بجا آورد. پاشیده شدن خون در آسمان قدرت مخرب گناه را در رابطه ما با خدا از میان برداشت.

سپس می‌خوانیم که این خون ضمیر ما را نیز پاک می‌کند. خون مسیح که در آسمان عملکردی پر قدرت داشت در قلب ما نیز به همان شکل با قدرت عمل می‌کند و ما را از تطهیری الهی و جاودانی برخوردار می‌سازد. قدرت خون مسیح در آسمان قیاس‌ناپذیر و نامحدود است، عملکردی وقفه‌ناپذیر و جاودانی دارد و به ما جرأت و دلیری می‌بخشد تا همانگونه که مسیح وارد قدس‌الاقداص شد ما نیز داخل شویم. همانگونه که وجود انسانی به ما می‌آموزد که به قدرت آسمانی خون مسیح ایمان داشته باشد و در آن خوشی نماید همچنین می‌تواند همین قدرت را در قلب خویش تجربه کند. عیسی ما را در خون خود می‌شوید و این شسته شدن تجربه‌ای نیست که فقط گاهی از آن برخوردار شویم، بلکه تجربه‌ای است که در قدرت حیات بی‌پایان مسیح همواره از آن برخوردار می‌شویم. ما با ایمان درمی‌یابیم دلی که از ضمیر بد پاشیده شده چه معنایی دارد. ما به عنوان اشخاصی که لباسشان شسته شده و سفید گشته است سلوک می‌نماییم و این فیض به ما داده شده است که حتی در زندگی‌مان بر زمین نیز لباس‌هایمان را از آلودگی و ناپاکی دور نگاه داریم (مکاشفه ۳: ۴).

بین اشخاصی که در خانه‌ای زندگی می‌کنند و خود آن خانه و نیز شرایط یک محیط و حیاتی که در آن محیط وجود دارد هماهنگی و تناسب وجود دارد. به همین شکل بین وجودی که در قدس‌الاقداص ساکن است و خود قدس‌الاقداص نیز باید هماهنگی و تناسب وجود داشته باشد. این هماهنگی و تناسب با تأثیر خون پاک‌کننده مسیح بر شخص آغاز شده و تا ابد نیز توسط آن تأمین می‌شود. قدرت پایان‌ناپذیر و همیشه حاضر خون مسیح، که معنایی عمیق‌تر از خون ریخته شده هابیل دارد و آسمان را برای من همواره گشوده نگاه می‌دارد، در قلب من نیز تأثیری بسیار عمیق دارد. خون مسیح مسأله گناه مرا از ذهن خدا زدوده است و وی هرگز آن را به یاد نخواهد آورد. خون مسیح همچنین گناه را از اندیشه من نیز زدوده است و ضمیر بدی را که مرا محکوم می‌کرد از میان برداشته است. عملکرد عالی خون مسیح هم در آسمان و هم در قلب من آشکار می‌شود. این خون مرا به قلمرو آسمانی بلند می‌کند و مرا قادر می‌سازد تا حیاتی نوین و رابطه‌ای عمیق با خدا داشته باشم. در این حالت مسأله گناه از میان برداشته شده و با تمام وجود و با خوشی کامل از محبت خدا برخوردار می‌شوم.

عملکرد خون مسیح در آسمان پایان‌ناپذیر است، این خون همواره شادی پدر و سرود پسر قربانی شده اوست. هر گاه احساس ضعف و ناتوانی می‌کنید داخل شوید، خون مسیح همواره در آنجاست و عملکرد آن لحظه‌ای متوقف نمی‌شود. در شخصی که وارد قدس‌الاقداص می‌شود خون مسیح عملکردی وقفه‌ناپذیر دارد. مسأله‌ای که بسیاری را دچار تردید می‌سازد این است که شخصی که درگیر وظایف و مسایل و تعهدات حیات روزمره است چگونه می‌تواند

در همه لحظات قلبی داشته باشد که از ضمیر بد پاک شده باشد. این اشخاص این موضوع را درک نکرده‌اند که اگر شخصی یک بار، با قلبی پاک شده درون قدس‌الاقداس وارد شود، به مکانی داخل شده که همه چیز در قدرت عالم اعلی و قدرت حیات بی‌پایان عمل می‌کند. چنین شخصی هوای حیات‌بخش و نیرو دهنده قدس‌الاقداس را تنفس می‌کند، دم روح‌القدس را می‌یابد و از قوت حیات رستاخیز برخوردار می‌شود. خادم قدس آسمانی؛ یعنی مسیح در عین حال متحقق سازنده و واسطه عهد جدید در قلب‌های ما نیز هست. اگر به او ایمان داشته باشیم آنچه را که وی در آسمان به عمل می‌آورد در قلب ما نیز پیوسته به عمل خواهد آورد، زیرا خون تطهیرکننده وی خون عهد جدید نیز هست. سکونت دائمی در قدس‌الاقداس قطعاً امکان دارد، زیرا او که کاهن اعظم ماست همواره در آنجا ساکن است.

اما تعداد کمی از مسیحیان را می‌توان یافت که از قدرت و شادی قلبی پاک و رها از ضمیر بد شهادت می‌دهند. علت این امر چه می‌تواند باشد؟ پاسخ این سؤال این است که برای درک این حقیقت نیز چون حقایق دیگر، مطابق با میزان ایمان و اطاعت درجاتی وجود دارند. به قوم اسرائیل بنگرید. در قوم اسرائیل سه حالت را می‌توان مشاهده کرد، یهودیانی که وارد صحن خارجی می‌شدند مذب و خونی را که بر آن پاشیده شده بود مشاهده می‌کردند و بخششی را که به آنان وعده داده شده بود دریافت می‌کردند. کاهنی که اجازه داشت وارد قدس شود نه تنها خون پاشیده شده بر مذب برنجین را مشاهده می‌کرد، بلکه همچنین آن را بر خودش نیز می‌پاشید. بدین ترتیب وی تماس نزدیکی با خون داشت و به او اجازه داده شده بود تا نزدیکتر بیاید. امکان تقرب برای کاهن اعظم از این هم بیشتر بود، او می‌توانست برای پاشیدن خون قربانی بر تخت رحمت سالی یک بار از پرده گذشته و وارد قدس‌الاقداس شود.

به همین شکل نیز مسیحیانی وجود دارند که همانند بسیاری از یهودیانی هستند که در صحن برونی قرار دارند. این مسیحیان به مرگ مسیح در جلجتا ایمان دارند، اما از حیات آسمانی وی، نزدیکی بیشتر به خداوند یا خدمت به دیگران آگاهی ندارند. علاوه بر این، مسیحیان دیگری نیز وجود دارند که از دعوت کهانت خود آگاهی دارند و می‌دانند که باید در خدمت به خدا و دیگر انسان‌ها زندگی کنند. آنان چون برای خدمت جدا شده‌اند آگاهی‌شان از قدرت خون بیشتر است، اما هنوز از پرده وارد قدس‌الاقداس نگشته‌اند، اما مسیحیان دیگری نیز هستند که از ورود مسیح که با تقدیم خون خودش همراه بود به درون قدس‌الاقداس و نتایج و دستاوردهای آن به خوبی آگاهند. آنان تجربه کرده‌اند که چگونه روح‌القدس خون مسیح را با قدرت به کار می‌گیرد تا آنان در قدس‌الاقداس ساکن شوند و از خوشی مستمر و کامل خدا برخوردار شوند.^۱

با دلی راست، در یقین ایمان، دل‌های خود را از ضمیر بد پاشیده، نزدیک بیاییم. اجازه ندهیم که با بی‌ایمانی به قدرت خون بره خدا که می‌تواند ما را کاملاً به حضور خدا بیاورد، این خون بی‌ارزش و بی‌مقدار شود. بیایید تا با گوش فرا دادن به آوازهای حمد و پرستش فرشتگان که درمورد خون بره سراییده می‌شود و با ایمان به این خون، با شادی و احترام، به حضور خدا در آسمان وارد شویم.

مؤخره

۱ - «اگر خون مسیح نتواند ما را از روح بندگی و نیز ضمیر بد آزاد سازد و نتواند در حضور خدا شادی اطمینان کامل را به ما عطا کند، پس چه مزیتی بر خون بزها و گاوان در عهد عتیق دارد؟ آنچه را که عیسی به کمال رسانید ما نیز می‌توانیم در قلب و ضمیر خود به کمال تجربه کنیم. هنگامی که شما در پی این تجربه نیستید که وی ضمیرتان را لمس کرده و کاملتان نماید و هنگامی که با قلبی که کاملاً از ضمیر بد پاشیده شده زندگی نمی‌کنید، در این صورت نجات‌دهنده خود را خوار و بی‌مقدار می‌سازید» (استین هومز).

۲ - دلی راست، دلی تطهیر شده. مشاهده کردید که همه چیز به دل مربوط است. خدا نمی‌تواند از برون کاری را برای ما انجام دهد مگر اینکه در قلب ما کاری انجام داده باشد. کار اصلی روح‌القدس در قلب ماست. بیایید تا با دلی راست و تطهیر شده نزدیک بیاییم و همواره تمام وجود خود را تحت قدرت آسمانی خون مسیح قرار بدهیم.

^۱ «در خون حبان وجود دارد» (یوحنا ۶: ۵۳). خون نه تنها خطر مرگ را برمی‌دارد، بلکه همچنین حیات را بخشیده و آن را حفظ می‌کند. (چه از نظر شرعی و چه از نظر روحانی) خون حیات و زندگی عطا می‌کند. خون مسیح نه تنها بر بدن‌های ما پاشیده شده است، بلکه ما در درون خود نیز آن را می‌پاییم تا آن را بنوشیم. هم از خون و هم از آب به دو گونه می‌توان استفاده نمود. کاربرد آنها هم بر ظاهر وجود ما و هم در درون ماست و از آنجایی که این کاربرد دوگانه در واقع یک کاربرد اصلی دارد، پاشیدن خون تمام زندگی درونی ما را تطهیر کرده و به آن حیات و قوتی نوین می‌بخشد.

بدن غسل یافته

انسان به دو جهان مرئی و نامرئی تعلق دارد. در ترکیب کلی وجود انسان عنصر مادی و روحانی و بدن و روح به شکل خارق العاده‌ای به هم پیوسته‌اند. در سقوط هر دو جزو وجود انسانی تحت قدرت گناه و مرگ قرار گرفتند و در نجات، رهایی برای هر دو جزو مهیا شده است. قدرت نجات نه تنها در حیات درونی و روحانی، بلکه در حیات مادی و بدنی ما نیز می‌تواند متجلی شود. در عبادات عهد عتیق توجه به عنصر مادی بیشتر به چشم می‌خورد. این عبادات و مراسم شامل آیین‌های ظاهری بودند و تا زمان پدید آیی عبادت کامل‌تر باید اجرا می‌شدند. این آیین‌ها اندازه‌ای بیانگر حقیقت بودند و بر قلب نیز تأثیر می‌گذاشتند، اما قادر نبودند شخص عبادت‌کننده را کامل نمایند. تنها در عهد عتیق بود که مذهب حیات درونی و پرستش خدا در روح و راستی مکشوف گشت، ولی ما هنوز باید مراقب باشیم تا مبدا توجه به حیات درونی منجر به نادیده گرفتن جزو مادی وجودمان گردد.

قدرت نجات بخش عیسای مسیح، همانگونه که در روح ما دیده می‌شود در بدن ما نیز باید ظاهر شود. خداوند ما با داشتن چنین نگرشی یکی از آیین‌های تطهیر یهود را پذیرفته و آیین تعمید آب را مقرر نمود. شخصی که در قلب خود ایمان می‌آورد با بدنش وجودش را برای تعمید تسلیم می‌کند. این عمل نشان‌دهنده این است که کل بدن و وجود جسمانی فرد با تمام قدرت‌ها و عملکردهایش متعلق به خداوند می‌باشد. در رابطه با این موضوع است که یوحنا رسول می‌نویسد: «با قدرت، عملکرد خون را در قلب ما متحقق می‌سازد، با شستن بدن ما، آن را از آن خود ساخته و در کنترل خود می‌گیرد.» در کتاب مقدس آب و کلام خدا به شکل مترادف به کار رفته‌اند (افسیان ۵: ۲۶ و یوحنا ۱۳: ۱۰، ۱۵: ۳) و این امر به این علت است که کلام خدا تجلی ظاهری آن حقیقتی است که باید بر کل حیات ظاهری و بدنی ما نیز حاکم باشد.

این دو جمله نیز در رابطه با همین حقایق به کار گرفته شده‌اند: «دل‌های خود را از ضمیر بد پاشیده و بدن‌های خود را به آب پاک غسل بدهیم.» در صحن برونی تنها دو چیز دیده می‌شد، مذبح برنجی و حوضچه کوچک. کاهن بر روی مذبح خون را می‌پاشید و سپس قبل از ورود به قدس‌الاقداص با آبی که در حوضچه بود خویشتن را می‌شست. در هنگام منصوب شدن کاهنان به خدمت، آنان نخست باید با آب شسته می‌شدند و سپس خون بر آنان پاشیده می‌شد (خروج ۲۹: ۴ و ۲۰). در روز برائت کفاره نیز، کاهن اعظم پیش از اینکه وارد قدس‌الاقداص شود باید نخست خویشتن را با آب می‌شست (لاویان ۱۶: ۴). با توجه به این مطالب می‌توانیم این نتیجه را بگیریم که اگر دل‌های خود را از ضمیر بد پاشیده، نزدیک می‌شویم، همچنین باید بدن خود را نیز با آب پاک غسل بدهیم. تنها در صورتی می‌توانیم از امکان داخل شدن و تطهیر که توسط خون انجام می‌شود به شکل کامل برخوردار شویم که همه اعمال زندگی ما توسط کلام پاک شده باشد. نه تنها قلب و درون ما، بلکه همچنین بدن و کل زندگی قابل مشاهده و مرئی ما نیز باید پاک باشد.

کیست که به کوه مقدس خداوند برآید؟ یا کیست که به حضور مقدس او بایستد؟ آن کس که دستانی پاک و قلبی مطهر دارد. قلبی که با خون شسته شده و بدنی که با آب پاک از هر لکه‌ای غسل یافته این دو را خدا به هم پیوسته است پس هیچ انسانی نباید آنها را از هم جدا بسازد. اشخاص بسیاری هستند که مشتاقانه در پی ورود به قدس‌الاقداص هستند، ولی موفق نمی‌شوند. دلیل عدم موفقیت آنان این است که دست‌های آنان پاک نیست و آنان هنوز توانایی این را ندارند که چیزهایی را که در زندگی‌شان کاملاً مقدس نیست، مشاهده کرده و آنها را کنار بگذارند. دست‌های خود را طاهر سازید ای گناهکاران و دل‌های خود را پاک کنید ای دودلان. این کلام حقیقتی است که همواره باید به خاطر داشت. برای قلبی که حقیقتاً آماده است تا هر گناهی را ترک کند قدرت غیرقابل تصور خون مسیح با قدرت جاودانی‌اش راه حل مشکل است، اما اگر قلب شخص حقیقتاً آماده ترک گناهان نباشد و بدن او با آب پاک غسل نیافته باشد، شخص نباید انتظار داشته باشد تا از وجدان کامل و آسوده‌ای که تنها خون مسیح می‌تواند به او عطا کند برخوردار شود.

بدن خود را به آب پاک غسل داده. ما هم با روح و هم با بدن خود وارد قدس‌الاقداص می‌شویم. در واقع حضور خدا بر بدن ما نازل شده و در ما ساکن می‌گردد. تمامیت حیات ما در بدنمان باید در حضور خدا باشد. بدن به شکل مخصوص هیكل خداست و باید در کنترل روح‌القدس باشد و پدر آسمانی باید در بدن ما جلال یابد. تمامیت وجود ما یعنی بدن، جان و روحمان باید با قدرت روح‌القدس قربانی مقدس بر مذبح الهی باشد؛ یعنی قربانی زنده‌ای که باید برای

خدمت خدا تقدیم شود. ما باید با بدن خویش نیز در قدس‌الاقداص زندگی کنیم و سلوک نماییم. خوردن و نوشیدن، خوابیدن، لباس پوشیدن و کار و آسایش همه این امور بیش از آنچه که تصورش را بکنیم بر روی حیات روحانی ما تأثیر دارند. این مسایل اغلب باعث می‌شوند مشارکتی که ما در پی حفظ آن هستیم از بین برود. قلب و بدن به شکل جدایی‌ناپذیری به هم پیوسته هستند و ضروری است که قلب انسان شسته شود و هم بدن او پاک گردد.

مسیح هنگامی که داخل جهان می‌شود می‌گوید: «جسدی برای من مهیا ساختی.» این کلام مسیح باید توسط همه پیروان او با جان و دل پذیرفته شود. در این جهان تنها چیزی که می‌تواند به ما کمک کند و ما را بی‌عیب و نقص نگاه دارد روحی است که در مسیح ساکن بود؛ یعنی همان روحی که به بدن خود به عنوان وسیله‌ای می‌نگریست که توسط خدا برای خدمت به او مهیا شده بود. این روح به بدن ما نیز به عنوان وسیله‌ای می‌نگرد که از سوی خدا مهیا شده است تا آن را به وی تقدیم نماییم. ما نیز مانند مسیح بدنی داریم که روح‌القدس در آن ساکن است و مانند مسیح ما نیز باید بدن خویش را با همه اعضا، همه قوت و اعمال آن به خدا تسلیم نماییم تا اراده او را بجا آورد، به او تقدیم شود و او را جلال دهد. مانند مسیح ما نیز باید با بدن خویش ثابت کنیم که برای خداوند تقدیس شده‌ایم و از آن او هستیم.

خونی که بر قلب شما پاشیده می‌شود از بدن عیسی جاری شده است؛ یعنی بدنی که توسط خدا مهیا شده و در تمام مدت عمر وی به خدا تسلیم و وقف شده بود. هدف از ریخته شدن خون وی این بود که بدن شما، همانند بدن او کاملاً به خدا تسلیم شده باشد و در سلوک و رفتار شما با آب پاک غسل یابد. سعی کنید که این حقیقت متبارک را درک کنید و آن را کاملاً بپذیرید. قلبی که با خون شسته شده است به سهم خدا در نجات و بدنی که با آب غسل یافته به سهم انسان در نجات اشاره دارد. بگذارید که دعوت الهی برای تطهیر ما و اطاعت ما از این دعوت عمیقاً به هم پیوسته باشد و آنگاه عمل خدا و عمل شما حقیقتاً یک خواهند بود. در چنین حالتی قلب شما همواره از ناپاکی‌ها شسته می‌شود و خون بره خدا انگیزه و قدرتی دائم برای شما خواهد بود تا در بدن خویش نیز حیاتی، چون حیات مسیح داشته باشید و آن را، چون یک قربانی مقدس و مقبول تقدیم خدا کنید.

مؤخره

۱ - من کاملاً متقاعد شده‌ام که یکی از علل عمده خدشه‌دار شدن مشارکت ما با خدا این است که ما خویش را تسلیم ارضای لذات و خواهش‌های تن می‌کنیم. به یاد داشته باشید که شیطان توسط جسم و بدن به هدف خود رسید و به همین وسیله نیز مسیح را وسوسه کرد و با مقاومت وی رو به رو شد. مسیح در رنج بدنی و گرسنگی خود به کمال رسید. ما هنگامی می‌توانیم در قدس‌الاقداص ساکن شویم که قانون انکار نفس در مورد بدن به کار گرفته شود.

۲ - مسیح از هر جهت، چون ما تجربه شد و از این جهت قادر است که ما را امداد کند. باشد تا تعهد ما به آنچه که عیسی انجام داد و نیز خویش‌داری و انکار نفس ما صریح و کامل باشد.

۳ - اگر قرار باشد شخصی در مسابقه‌ای شرکت جوید، باید برنامه روزانه خاصی را رعایت کند. به همین شکل اگر این مسابقه، مسابقه‌ای در زمینه قدوسیت و حقایق آسمانی باشد برنامه روزانه شخص نیز باید متناسب با این هدف باشد؛ یعنی بدن خویش را هر چه بیشتر با حیات درونی خود متناسب سازد.

نزدیک بیاییم

ما چهار برکت عظیم پرستش نوین را که می‌توانند ما را تشویق کنند و برانگیزانند که به قدس‌الاقداص نزدیک شویم، بررسی نمودیم. این چهار برکت عبارتند از: مفتوح بودن قدس‌الاقداص، دلیری توسط خون مسیح، طریق تازه و زنده و کاهنی اعظم بر خانه خدا. ما همچنین چهار مشخصه اصلی پرستنده حقیقی را بررسی کردیم که عبارتند از: دلی راست، یقین ایمان، قلبی که شکسته شده است و بدنی که غسل یافته است. اینک ما به بررسی چهار اصلی می‌پردازیم که برای نزدیک شدن به قدس‌الاقداص رعایت آنها ضرورت دارد. ما در بحث خود در مورد ورود مسیح به قدس‌الاقداص و قدرت خون او در فصل نهم به اندازه کافی توضیح دادیم که این وارد شدن چه معنایی دارد و برای این ورود چه چیزی ضرورت دارد، اما به هر حال بهتر است آنچه را که گفتیم جمع‌بندی کنیم و به شکلی ساده، با فیض خدا درب ورود را باز کنیم و به فرزندان صادق خدا کمک کنیم تا به حضور خدا وارد شوند و در منزلی که پدر برایشان آماده ساخته است جای خود را بیابند.

قبل از طرح هر مطلبی باید بگوییم: «ایمان داشته باشید که زندگی در قدس الاقداس؛ یعنی زندگی مستمر در حضور خدا، یقیناً وظیفه شما بوده و در توانایی شماست.» تا زمانی که شما در مورد این امر یقین و اطمینان نداشته باشید مطالعه ما از این بخش از رساله عبرانیان بی‌ثمر خواهد بود. تعلیم کل این رساله این است که کهنات خارق‌العاده مسیح را نشان دهد، که وی در این کهنات با قدرت حیات جاودانی‌اش قادر به انجام هر کاری می‌باشد و بنابراین قادر است تا نجات کامل بخشد. وی در این کهنات از میان پرده راهی به درون قدس الاقداس گشوده و با خون خود به آن وارد شده است. در واقع جلوس او بر تخت قدرت آسمانی به عنوان خادم صحن مقدس و واسطه عهد جدید به معنای این است که قدس الاقداس برای ما گشوده شده است. ما می‌توانیم و باید در آنجا زندگی کنیم. مطالب فوق را بدین شکل می‌توان خلاصه نمود که: «برادران، چون دلیری داریم تا داخل شویم، پس نزدیک بیاییم.» شما باید به خود بگویید: «خدا حقیقتاً می‌خواهد تا من به قدس الاقداس داخل شده و با آگاهی از حضور زنده او در آنجا ساکن گشته و همه زندگی خود را در آنجا سپری کنم.»

اجازه ندهید که هیچ اندیشه‌ای در مورد ضعیف بودن یا اطمینان نبودنتان شما را از ورود به قدس الاقداس بازدارد. به خدا بنگرید که درب ورود را باز کرده و شما را به داخل می‌خواند و به خونی بنگرید که بر گناه و مرگ غلبه یافته است و به شما دلیری می‌دهد که هیچ عاملی نمی‌تواند آن را از میان ببرد. شما توسط مسیح که کاهن پر قدرت است و شما را به درون می‌آورد و در آنجا نگاه می‌دارد می‌توانید وارد شوید. بله، ایمان داشته باشید چنین زندگی برای شما در نظر گرفته شده است. چنین امری ممکن است، وظیفه من است که چنین زندگی داشته باشم. خدا مرا به چنین زندگی خوانده است. این واقعیتی است که خواه قلب شما مشتاق آن باشد خواه نباشد حقیقت دارد.

گام بعدی تسلیم شدن به مسیح است که توسط ورود به زندگی در حضور خدا ممکن می‌شود این تسلیم مستلزم تسلیم کامل زندگی طبیعی و نفس کهنه می‌باشد؛ یعنی جدایی کامل از جهان و روح حاکم بر آن، مرگ کامل نسبت به اراده شخصی و پذیرش اراده خدا بر کل زندگی‌ام و بر همه امور. برای بعضی از اشخاص این تسلیم به معنای ترک نمودن بعضی از امور است که آنان فکر می‌کردند بدون ضرر و زیان هستند، اما اکنون متوجه شده‌اند که این امور خواست جسم و انسانیت کهنه است. برای بعضی‌ها این تسلیم به معنای جدا شدن از یک امر مشکوک یا یک گناه است که در حال مبارزه با آن هستند. تسلیم تمامیت وجود تنها هنگامی ممکن می‌شود که فرد درمی‌یابد چگونه عیسی به عنوان واسطه عهد جدید به شکلی کامل، همه امور فوق را ممکن می‌سازد و خوشی و مسرت خود را در انجام اراده خدا در قلب ما می‌گذارد و به ما قدرت و اراده می‌دهد تا در اراده کامل خدا زندگی کنیم.

با درک حقایق فوق جرأت و دلیری می‌یابیم تا در برابر مسیح قرار گیریم و به او بگوییم: «خداوند، من حاضر هستم تا در طریق تازه و زنده مرا هدایت کنی تا نسبت به اراده خود بمیرم و تنها در اراده خدا زندگی کنم. آری همه چیز را تسلیم تو می‌کنم.» آنگاه همراه با این تسلیم ایمانی به وجود می‌آید که عیسی آن را برای همه انسان‌ها پذیرفته و صاحب آن است. من از این موضوع آگاهم که من با قدرت خودم نمی‌توانم در قدس الاقداس زندگی کنم. من به عیسی، به عنوان قادر مطلق و تا ابد زنده توکل دارم که وی حتی در همین لحظه می‌تواند مرا از میان پرده گذرانده و مسؤولیت مرا به عهده بگیرد و مرا قادر سازد تا در حضور خدای زنده بخرامم و او را خدمت نمایم. هر چقدر هم، چنین زندگی دور از دسترس و غیرممکن به نظر برسد من نمی‌توانم تردید کنم که آن کس که با خون خود طریق قدس الاقداس را برای من گشوده است، مرا به داخل آن خواهد برد و نیز آن کس که به عنوان کاهن اعظم من بر تخت جلوس نموده است قادر و اطمینان است که مرا در حضور خدا نگاه دارد. علی‌رغم وجود احساسات مختلف و تغییرات گوناگون، من ایمان دارم که وی مرا به داخل خواهد برد و من می‌گویم: «خدایا متشکرم، من در قدس الاقداس هستم.» پس بیایید تا در یقین ایمان نزدیک بیاییم.

پس از آن زندگی ایمان در قدس الاقداس در پیش روی ماست؛ یعنی اطمینانی پایدار و تا به آخر فخر نمودن در امیدی که خدا مهیا نموده است، من ایمان دارم که عیسی همه برکات عهد جدید را برای من متحقق خواهد ساخت و مرا وارث همه وعده‌ها خواهد گردانید. من هر روزه به او می‌نگرم تا ایمان مرا با روح القدسی که از آسمان به قلب من فرستاده است مهر کند. هنگامی که عیسی به آسمان صعود کرد شاگردان انتظار کشیدند، دعا کردند، به حمد و تسبیح خدا پرداختند تا اینکه روح القدس به عنوان شاهد و آشکارکننده جلال عیسی در دست راست خدا، بر آنان نازل شد. در روز پنطیکاست بود که آنان حقیقتاً به پشت پرده داخل شدند؛ یعنی به جایی که پیشوای آنان قلوب مشتاق آنان را

بدانجا متمایل نموده بود. آنان به قلمروی نوینی از حیات گام گذاشته بودند که در آن نسبت به اراده خود مرده بودند و نسبت به اراده خدا زنده شده بودند. در این قلمرو مسیح توسط روح القدس آنان را در حضور و محبت خدا قرار داده بود. ما نیز می‌توانیم در این قلمروی حیات قرار بگیریم، به همان اندازه که یقین داریم عیسای مسیح کامل از آن ماست می‌توانیم یقین داشته باشیم که هر یک از ما خوانده شده‌ایم تا از حیاتی مملو از برکت پنطیکاست برخوردار شویم. فردی که در تسلیم کامل و ایمان ساده از حیات درون پرده برخوردار است می‌تواند مطمئن باشد که با قدرت روح پنطیکاست در قلب خود، ایمان برای او تبدیل به تجربه شده و شادی وصف‌ناپذیر بهره و سهم او خواهد بود بنابراین برادران نزدیک بیاییم!

مؤخره

۱ - دلیری برای داخل شدن خلاصه تعالیم نیمه نخست رساله عبرانیان است و نزدیک بیاییم خلاصه حیات و عملکردی است که بخش دوم رساله آن را بیان می‌کند.

۲ - ایمان من باید ایمانی باشد که برکت را می‌پذیرد و درمورد آن خدا را شکر می‌کند. عیسی اینک مرا به داخل قدس‌الاقداس برده است و در حضور پدر، جایگاه و حیات مرا به من بخشیده است، اما این امر فقط شروع محسوب می‌شود. ایمان اینک باید در روح‌القدس و قدرت پنطیکاستی آن تکیه کند که ملکوت آسمانی را به قلب ما فرود می‌آورد و آن را برای ما به تجربه‌ای شخصی تبدیل می‌کند. تا زمانی که این امر تحقق یابد ایمان باید با صبر انتظار بکشد تا مطابق آیات ذیل وعده را بیابد: «پس ترک مکنید دلیری خود را که مقرون به مجازات عظیم می‌باشد، زیرا که شما را صبر لازم است تا اراده خدا را بجا آورده وعده را بیابید.»

اعتراف ایمان

ما با عبارت اصلی گفتار فوق قبلاً رو به رو شدیم. محکم نگاه داشتن، اعتراف و امید. ما اینک به جایی رسیده‌ایم که بتوانیم دریابیم در حیات کاملی که عیسی در حضور خدا ما را به آن وارد می‌سازد، کمال مسیحی چیست. در این مورد بیش از همه موارد دیگر ما نیاز داریم تا امید خود را محکم نگاه داریم. ایمان و امید همواره دست در دست یکدیگر حرکت می‌کنند، «ایمان اعتماد بر چیزهای امید داشته شده است.» ایمان وعده را در واقعیت الهی آن می‌پذیرد و امید به بررسی گنجینه‌های الهی می‌پردازد، آنها را تجسم می‌کند و در آنها شادی می‌کند. پس از عبارت «در یقین ایمان نزدیک بیاییم» بلافاصله عبارت «و اعتراف امید را محکم نگاه داریم» ذکر می‌شود. زندگی در قدس‌الاقداس در حضور خدا، باید با امیدواری بی‌پایان همراه باشد.

مشاهده نمودن دلیل این امر مشکل نیست. ورود به قدس‌الاقداس تنها نقطه شروع زندگی مسیحی است. هنگامی که ما در قدس‌الاقداس می‌مانیم خدا می‌تواند فیض و قوت خود را در ما جاری سازد. در قدس‌الاقداس قدوسیت خدا می‌تواند بر ما سایه افکند و جزئی از زندگی و شخصیت ما گردد. در قدس‌الاقداس است که ما می‌توانیم با فروتنی و افتادگی و تسلیم به اراده خدا، او را بپرستیم. ما در این زمینه به یک باره به کمال دست نمی‌یابیم، بلکه باید همانگونه که عیسی در این زمینه رشد نمود، ما نیز رشد کنیم. در قدس‌الاقداس است که ما باید هنر مقدس شفاعت را یاد بگیریم تا بتوانیم دعا‌های مؤثر داشته باشیم. در قدس‌الاقداس است که ما در ارتباط دائمی با خدا و رابطه نزدیک و زنده با عیسی، پری روح‌القدس را بیشتر تجربه می‌کنیم. ورود به قدس‌الاقداس فقط یک شروع است.

ورود به قدس‌الاقداس باید برای ما به منزله زندگی باشد که در هر لحظه ما همه چیز را از خدا می‌یابیم و در آن عمل خدا در حکم کل در کل است. در اینجا نیز همچون جاهای دیگر ما به امید بی‌پایان احتیاج داریم. پس از اینکه ما وارد شدیم شاید آنچه را که در انتظار داشتیم نیابیم و نور و خوشی و قدرت شاید به یکباره نصیب ما نگردد. در پشت پرده قدس‌الاقداس، کماکان حیاتی مبتنی بر ایمان و نگرستن به خدا و نه امید داشتن بر خودمان را باید در پیش بگیریم. هنگامی که خدا می‌خواهد برکت زندگی به ما بدهد ایمان باید تحت آزمایش قرار بگیرد. امید دختر ایمان است، پیام‌آوری که وی او را می‌فرستد تا ببیند چه چیز در انتظار است. این امید است که قوت و نقطه اتکای ایمان می‌باشد. بیایید در قدس‌الاقداس یقین و امید خود را تا به انتها حفظ کنیم. بیایید در امید جلال خدا که در وجود ما آشکار می‌شود فخر کنیم.

بیایید اعتراف امید خود را محکم نگاه نداریم. اعتراف امید را تقویت می‌کند. آنچه را که ما بر زبان می‌آوریم برای ما روشن‌تر و واقعی‌تر می‌شود. اعتراف باعث جلال یافتن خدا می‌شود و به کسانی که پیرامون ما هستند کمک می‌کند و آنان را تشویق می‌کند. اعتراف به خدا، انسان‌ها و ما نشان می‌دهد که ما به آنچه می‌گوییم معتقدیم. بیایید اعتراف امید خود را محکم نگاه داریم تا خللی در آن به وجود نیاید. بیایید امید عالی را که توسط آن به خدا نزدیک می‌شویم و وارد قدس‌الاقداًس می‌شویم محکم نگاه داریم و با اطمینانی که متزلزل نمی‌شود آن را اعتراف کنیم. اجازه بدهیم تا امید متبارک هر روز در محبت خدا محفوظ ماندن و امید پیوسته در حضور عیسی ماندن، لنگر ما در قدس‌الاقداًس باشد.

«زیرا وعده‌دهنده امین است.» در این رساله مواردی را که واژه وعده در آن به کار رفته است بررسی کنید و توجه داشته باشید که مفهوم وعده چه نقش مهمی در نحوه رفتار خدا با قومش دارد و پیام‌زید که چقدر زندگی شما به نقشی که برای وعده‌ها قائلید وابسته است. همانند این آیه وعده‌ها را با وعده‌دهنده مربوط سازید و او را به عنوان خدای امین و تغییرناپذیر در نظر آورید و در خداوند ما عیسای مسیح خواهید توانست در این امید فخر نمایید. «وعده‌دهنده امین است.» این کلام ریشه حیاتی است که در قدس‌الاقداًس وجود دارد. همانگونه که این خدا بود که در مسیح سخن گفت و او را فرستاد، او را به مقام کاهن منصوب کرد و او را کامل نمود به همینسان نیز مسیح ما را در قدس‌الاقداًس به سوی خدا می‌آورد تا به عنوان مخلوقات او از آن حیاتی که باید در او داشته باشیم برخوردار شویم. مسیح ما را به سوی خدا می‌آورد و این حقیقت متبارک وارد شدن به قدس‌الاقداًس است و ما در این حالت در جایگاه و روحیه صحیح برای تجلیل او به عنوان خدا قرار می‌گیریم؛ یعنی در این موقعیت که به او اجازه دهیم تا آزادانه، بدون واسطه و بی‌وقفه حیاتی را که در مسیح وجود دارد، در ما نیز به وجود آورد. آری، وعده‌دهنده امین است. خدا در پی تحقق بخشیدن به وعده‌های حیات‌بخش و محبت‌آمیز و نیز تحقق دادن به برکات و ثمرات خود است آن هم به طریقی که ما هیچ تصویری از آن نمی‌توانیم داشته باشیم، پس «اعتراف امید را محکم نگاه داریم، زیرا که وعده‌دهنده امین است.»

خواننده عزیز، دعوت را شنیدی که می‌گوید: «با یقین ایمان نزدیک بیاییم» و آیا از این دعوت اطاعت کردی؟ و آیا ایمان آوردی که عیسی تو را به حیاتی ماندگار در حضور خدا وارد می‌سازد؟ و آیا حتی در فقدان هر گونه احساس و تجربه و حتی با وجود شکها و ترس‌ها که تو را تحت فشار گذاشته‌اند، اعتراف امید را محکم نگاه داشته‌ای؟ بشنو و مراقب باش. وعده‌دهنده امین است! بگذار که این حقیقت صخره‌ای باشد که بر آن باید بایستی. پیوسته بگوئید: «ای جان من بر خدا امید دار، زیرا او را حمد خواهم گفت. ای خدا تو امید من هستی پیوسته به تو امید خواهم داشت و تو را بیش از پیش حمد خواهم گفت.» این برکت صحن درونی است که تو جایگاه حقیقی خود را در زیر پاهای خدا بیابی و در آنجا با اتکای مطلق به عمل او، منتظر عمل وی باشی. آن دلیری را که خون مسیح به تو می‌بخشد به دست آور.

دلی راستی که روح‌القدس در آن ساکن شده و عمل می‌کند به دست آور. قلبی را که توسط کاهن اعظم با خون تطهیر گشته به دست آور و نیز امید را به دست آور. آری امید به خدا را تا عمل الهی خود را در وجود تو به انجام رساند. بگذار تا او بیش از هر زمان دیگری برای تو خدای امید باشد. تحقق کلام او را اعلان نما. «خدای امید شما را از کمال خوشی و سلامتی در ایمان پر سازد تا به قوت روح‌القدس در امید افزون گردید.» خدا نامحدود و امین، به عنوان خدای امید ما، ما را با خوشی و سلامتی در ایمان پر می‌سازد و ما یاد می‌گیریم توسط قدرت روح‌القدس امیدمان افزون‌تر شود. باشد که در خلوت حضور خدا این امر به حیات ما تبدیل شود.

مؤخره

۱ - یقین ایمان و یقین امید دو ویژگی دل‌راست هستند، چون ما در خود هیچ نداریم و چون خدا باید همه چیز باشد و همه کارها را انجام دهد پس باید با تمام وجود به او بنگریم و آنچه را که او هست و انجام می‌دهد بپذیریم.

۲ - «تا به قوت روح‌القدس در امید افزون گردید.» به این موضوع توجه داشته باشید که حیات در قدس‌الاقداًس کاملاً به روح‌القدسی که در ما ساکن است، متکی می‌باشد. ما در این زندگی نیاز داریم تا از روح‌القدس پر شویم و عملکرد بدون واسطه و مداوم او را تجربه کنیم. ما بدون روح‌القدس حتی یک لحظه نیز نمی‌توانیم در قدس‌الاقداًس ساکن شویم. پس بیایید توسط قدرت روح‌القدس امیدمان افزون شود.

محبت و اعمال نیکو

ما یقین ایمان را داریم که در آن می‌توانیم نزدیک بیاییم و اعتراف امید را داریم که باید آن را محکم بداریم. اینک باید به موضوع دیگری نیز توجه داشته باشیم: «ملاحظه یکدیگر را بکنیم تا به محبت و اعمال نیکو ترغیب نماییم.» «ملاحظه یکدیگر را بکنیم.» آن کس که وارد قدس‌الاقداس می‌شود به درون سر منزل محبت ابدی گام می‌گذارد. هوایی که وی استنشاق می‌کند هوای محبت است. بزرگترین برکتی را که فرد در آنجا می‌تواند دریافت کند قلبی است که محبت خدا توسط قدرت روح‌القدس در آن ریخته شده و در طریق کامل شدن در محبت قرار گرفته است. به یاد داشته باشید که ایمان و امید زائل خواهد شد، اما محبت برای همیشه باقی خواهد ماند و از میان این سه، محبت از همه بزرگتر است. «ملاحظه یکدیگر را بکنیم.» در ابتدا هنگامی که ما وارد قدس‌الاقداس می‌شویم، فکر ما عمدتاً فکری انسانی است و در بند خویشتن ماست و هنگامی که با ایمان وارد می‌شویم گویی چنین است که همه آنچه را که ما می‌توانیم انجام دهیم این است که در حضور خدا بایستیم و منتظر او باشیم تا آنچه را که وی به ما وعده داده برایمان به عمل بیاورد، اما ما باید این موضوع را نیز درک کنیم که قدس‌الاقداس و بره خدا فقط از آن ما نیست و اشخاص دیگری نیز در قدس‌الاقداس وجود دارند که مشارکت با آنان در پرستش خدا برکت بزرگی برای ماست و نیز باید این موضوع را دریابیم که اشخاص دیگری نیز خارج از قدس‌الاقداس هستند که برای ورود به آنجا به کمک ما احتیاج دارند.

به ما این امکان داده شده است که از محبت خدا برخوردار شویم. این محبت به قلب‌های ما وارد شده است و ما خود را می‌بینیم که خوانده شده‌ایم تا مانند مسیح زندگی کنیم و خود را وقف کسانی کنیم که در پیرامون ما هستند. آری، «ملاحظه یکدیگر را بنماییم.» همه کسانی که رستگار شده‌اند یک بدن را تشکیل می‌دهند. هر یک از اعضای بدن وابسته به دیگری است و هر یک به خاطر رفاه حال دیگری در بدن قرار گرفته است. ما باید از این خودفربیی آگاه باشیم که می‌اندیشد ورود به قدس‌الاقداس و داشتن رابطه‌ای نزدیک با خدا با داشتن روحیه خودخواهانه ممکن است. چنین چیزی نمی‌تواند ممکن باشد. طریق تازه و زنده‌ای را که عیسی به وجود آورد طریق محبتی است که خود را قربانی می‌کند. به ما به عنوان کاهنان امکان ورود به قدس‌الاقداس داده شده است تا در آنجا از روح و محبت مسیح پر شویم و سپس از آنجا خارج شده و برکت خدا را نصیب دیگران سازیم.

«ملاحظه یکدیگر را بنماییم.» همان روحی که به ما می‌گوید به عیسی مسیح توجه کنیم، به او وقت بدهیم و برای شناخت بیشتر او به او بنگریم، به ما می‌گوید که به یکدیگر توجه کنیم و «ملاحظه یکدیگر» را بکنیم، به برادرانی که در پیرامون ما هستند وقت بدهیم و برای شناخت نیازهایشان آنان را مد نظر داشته باشیم. اشخاص بسیاری وجود دارند که در شرایط ناگواری بسر می‌برند، در یأس و ناامیدی هستند و نمی‌توانند تصور کنند که بتوانند زندگی بهتری داشته باشند. برای آنان فقط باید یک کار انجام داد: «ما که توانا هستیم ضعف‌های ناتوانان را متحمل بشویم و خوشی خود را طالب نباشیم.» هر کسی که از برکات زندگی که تسلیم مسیح شده باشد برخوردار باشد، خود را به مسیح می‌سپارد تا پیام آور مسیح برای ضعیفان و ناتوانان باشد.

«ملاحظه یکدیگر را بنماییم تا به محبت و اعمال نیکو ترغیب نماییم» محبت و اعمال نیکو. کلیسا در تحقق مشارکت خود این دو امر را متحقق می‌سازد. هر چیزی که از آشکار شدن محبت جلوگیری کند باید قربانی شده و به کنار نهاده شود. به چیزی که بتواند باعث برانگیختن محبت در دیگران یا افزون شدن آن گردد باید توجه شود. به همین شکل در کنار محبت باید به اعمال نیکو نیز توجه شود. کلیسا توسط مسیح نجات یافته است تا به دنیا ثابت کند که مسیح قدرت دارد تا ما را از گناه پاک سازد، بر شریر غلبه کند و انسان‌ها را به افرادی مقدس و نیکو مبدل سازد. بیایید به هر طریقی که ممکن است ملاحظه یکدیگر را بکنیم تا باعث شویم که محبت و اعمال نیکو تشویق شود و افزون گردد.

موضوع اصلی این است، زندگی در قدس‌الاقداس باید زندگی مبتنی بر محبت باشد. پس همانگونه که حکم کلام خدا به ما می‌گوید که با یقین ایمان نزدیک بیاییم و اعتراف امید خود را محکم بداریم، به همین شکل نیز با جدیت به ما حکم می‌کند که ملاحظه یکدیگر را بکنیم تا به محبت و اعمال نیکو ترغیب نماییم. خدا محبت است و هر آنچه را که وی برای ما در پسرش انجام داده است، همانگونه که در رساله عبرانیان نیز بیان شده، مبتنی بر محبت است و هر گونه تقرب به معنای یگانه شدن با خدا در اراده مقدسش و هر گونه ارتباط واقعی با او ممکن نیست مگر اینکه در

روح محبت انجام پذیرد. اگر ما خود را به محبت خدا در مسیح تسلیم نکنیم و اگر از این محبت پر نشویم تا خود را وقف خوشی و رفاه حال انسان‌های دیگر کنیم، ورود ما به قدس‌الاقداس توهمی بیش نخواهد بود.

ای مسیحیان! بررسی کنید که محبت چیست. آن را در کلام خدا، در وجود مسیح و در خدا بررسی نمایید. هنگامی که دریافتید که او چشمه همواره جوشان همه نیکویی‌هاست و جلال او در محبت اوست و نیز اینکه او در همه هستی‌ها وجود دارد و به همه موجودات به اندازه ظرفیتشان وجود متبارک و کامل خود را می‌بخشد، آنگاه در خواهید یافت که کسی که محبت نمی‌کند خدا را نشناخته است. شما همچنین در خواهید یافت و بیش از پیش تصدیق خواهید نمود که هیچ یک از تلاش‌های انسانی‌تان باعث به وجود آمدن محبت در شما نمی‌شود، بلکه محبت عطیه‌ای است که باید آن را از آسمان دریافت کنید. شما همچنین درمی‌یابید که انتظار کشیدن برای پر شدن از محبت الهی، یکی از بزرگترین خوشی‌های شما و بهترین زیبایی‌های قدس‌الاقداس خواهد بود.

خدا این قدرت را دارد که توسط روح‌القدس محبت خود را در قلوب ما بریزد. وی وعده داده است که مسیح را به ما ببخشد تا به وساطت ایمان در قلب ما ساکن شود تا ما در محبت ریشه کرده و محبتی را در خود داشته باشیم که فوق از معرفت است. فضای قدس‌الاقداس فضای محبت است. همانگونه که من از هوایی که در پیرامون من است تنفس می‌کنم، فردی که نیز در حضور خدا ساکن است از هوای عالم اعلی تنفس می‌کند. این وعده برای ما نگاه داشته شده است و زمان تحقق آن فرا خواهد رسید؛ یعنی زمانی که محبت خدا در ما کامل شود و ما در محبت کامل شویم. این امر به جز در قدس‌الاقداس نمی‌تواند تحقق یابد. بیایید در یقین ایمان نزدیک بیاییم و ملاحظه یکدیگر را بکنیم. هنگامی که فقط در فکر دیگران هستیم تا محبت خدا نصیب آنان شود، درمی‌یابیم که خدا در مورد ما فکر می‌کند و ما را از محبت خود پر می‌سازد.

اگر هر ایمانداری با تمام قلب خود زندگی خود را وقف انسان‌های دیگر می‌کرد دنیای ما با وضعیت فعلی چقدر متفاوت می‌بود! هنگامی که مسیح برای نجات انسان‌ها خود را تسلیم محبت نجات‌بخش خدا نمود، چه تغییری در جهان به وقوع پیوست! چه تغییر عمیقی در اعضای کلیساهای ما به وجود می‌آمد اگر آنان درمی‌یافتند که برای چه گرد هم آمده‌اند! چه تغییر عمیقی در هزاران انسان گمگشته به وقوع می‌پیوست اگر با شگفتی درمی‌یافتید که در فرزندان خدا چه محبتی وجود دارد و چه قدرت و برکتی در محبت نهفته است! پس بیایید ملاحظه یکدیگر را بنماییم.

مؤخره

۱ - جوهر، زیبایی و جلال نجات مسیح در این است که این نجات برای همگان است. کسی که این نجات را هنگامی که روح‌القدس آن را به او عطا می‌کند حقیقتاً دریافت می‌کند، آن را به عنوان نجاتی برای همگان دریافت می‌کند و خود را تحت این اجبار می‌بیند که این نجات را با دیگران در میان بگذارد. تعمید آتش، تعمید محبت ره‌ای‌شگرانه است، اما این محبت فقط یک احساس نیست، بلکه قوتی است که کمک می‌کند ملاحظه دیگران را بکنیم و در فکر آنان باشیم.

۲ - چقدر محبت کردن دیگران و انجام دادن کارهایی که در قوت ماست برای آنان، غیرممکن می‌نماید! این امر یکی از عطایای واقعی است که باید در قدس‌الاقداس انتظار آن را کشید و باید آن را در قدرت روح پنطیکااست دریافت نمود. محبت خدا چنان باید در قلب ما ریخته شود که ما به شکلی خودانگیخته، بدون وقفه و با خوشی دیگران را محبت کنیم، زیرا محبت طبیعت اصلی ماست.

با هم آمدن در جماعت

حیات درونی و برونی باید همراه با یکدیگر به پیش روند. همانگونه که در هر انسانی همراه با حیات برونی بدن حیات نهان درونی وجود دارد، در کلیسای مسیح نیز چنین است. همه اعضای کلیسا مسیح یک بدن هستند. اتحاد درونی بدن باید در عملکردی فعالانه ثابت شود و باید در گردهمایی جماعت دیده شود. گردهمایی مقدسان خدا امری است که خود خدا آن را مقرر کرده است. همه کسانی که وارد قدس‌الاقداس می‌شوند تا خدای خود را ملاقات کنند باید با قوم خدا نیز ملاقات کنند. در عهد عتیق هیکل محل ملاقات بود و در آنجا ملاقات با خدا و ملاقات با قوم خدا به یک میزان

ضرورت داشت. در میان یهودیان، در میان برخی شرکت نکردن در گردهمایی‌های جماعت به صورت یک عادت درآمده بود و این امر یکی از نشانه‌های خطرناک ترک دین بود. در گردهمایی‌ها به تک تک اشخاص یادآوری می‌شد تا نه تنها به وظیفه شخصی خود عمل کنند و در ایمان دینی خود امین و وفادار باشند، بلکه همچنین به فکر دیگران باشند و یکدیگر را نصیحت کنند، درمورد ما مسیحیان نیز گرد هم آمدن ما برای رشد حیات در قدس‌الاقداص، برای کمک و تسلی دادن به ضعیفان و نیز به جهت تعمیق مشارکت در روح‌القدس و کلام، اهمیت زیادی دارد. بیایید به نصیحتی که درمورد ورود ما به قدس‌الاقداص وجود دارد گوش بسپاریم: «و از با هم آمدن در جماعت غافل نشویم چنانکه بعضی را عادت است.»

اگر ما به درستی اهمیت این سخنان را درک می‌کنیم پس باید ارتباط آن را با متنی که این گفتار در بطن آن قرار دارد دریابیم. ما به عنوان اشخاصی که به خدا نزدیک شده‌ایم باید به انسان‌های دیگر نیز نزدیک شویم. ملاقات خدا برکت و قدرت و آرامش بی‌پایانی را نصیب ما می‌سازد. ملاقات با انسان‌های پیرامون اغلب ضعف، تشویش خاطر و ناکامی را به همراه دارد به گونه‌ای که بعضی‌ها می‌اندیشند بهتر است گرد هم آمدن با یکدیگر را به فراموشی بسپاریم. بیایید ببینیم که چگونه زندگی در قدس‌الاقداص به وظایف و قدرت جماعت‌های مقدسین اشاره می‌کند. زندگی در قدس‌الاقداص وظیفه ما را به یادمان می‌آورد. قدس‌الاقداص مسکن محبت ابدی است. در این مکان محبت ساکن است. از قدس‌الاقداص محبت صادر می‌شود تا مرا بیابد و به داخل بیاورد. ما به داخل محبت ابدی دعوت شده و داخل گشته‌ایم. محبت در قلب‌های ما ریخته شده است. ورود من به قدس‌الاقداص فقط توسط قربانی کردن خویشتن ممکن است و سکونت من در آنجا تنها در صورتی میسر است که نسبت به خود مرده باشم و پر از محبت باشم و محبت نفع خود را طالب نیست، خویشتن را فدا می‌کند و فقط هدفش این است که دیگران را شریک خوشی خود بسازد.

محبت گردهمایی قوم خدا را فقط به خاطر اینکه نیازها و امیدهایش در آنجا برطرف می‌شوند دوست ندارد، بلکه به جهت اینکه می‌تواند از مشارکت مقدسین برخوردار شود و نیز می‌تواند به دیگران کمک کند و تشویقشان نماید، این گردهمایی را دوست دارد. محبت نه تنها این اعمال را انجام می‌دهد، بلکه حکم بعدی را نیز اطاعت می‌کند: «یکدیگر را نصیحت کنیم.» محبت پیوسته مراقب کسانی است که در خطر از دست دادن ایمان خود هستند. محبت مراقب کسانی است که نسبت به بی‌مبالاتی خود درمورد آمدن به جماعت بی‌توجه شده‌اند. محبت حقیقی آماده انجام هر کاری است که از دستش برمی‌آید و در پی اندیشیدن تدابیری است تا گردهمایی مقدسین را برای کسانی که در آن احساس غربت می‌کنند، به جمعی صمیمانه و جذاب تبدیل سازد. محبت هر کار مشکل را حاضر است انجام دهد و حاضر است کاملاً فروتن شود تا کسانی را که از جماعت مقدسین دور شده‌اند به این جمع باز آورد تا آنان برکت یابند و نجات پیدا کنند. چنین محبتی در محبت قدس‌الاقداص الهی ریشه دارد و خود را فدا می‌سازد تا دیگران این محبت را بشناسند.

زندگی در قدس‌الاقداص نه فقط برای انجام صحیح امور به ما انگیزه می‌دهد، بلکه قدرت انجام آن را نیز در ما به وجود می‌آورد. اشخاصی که اعتراف می‌کنند که به قدس‌الاقداص داخل گشته‌اند و حقیقتاً به خدا نزدیک شده‌اند، در دعایشان و نیز در کلامشان و در خدمتشان به ایمانداران دیگر، دیده می‌شود. قدس‌الاقداص مکانی است که هر روزه در آن می‌توان به پرستش، وقف و شفاعت پرداخت. حتی وجود گروه کوچکی از اشخاص در کلیسا که این تجربه مستمر را دارند می‌تواند باعث شود تا حضور خدا در جماعت به شکل محسوس احساس شود. پرستش همواره با دیگران می‌تواند چنان با پرستش نهان در قدس‌الاقداص ارتباط یابد که کسانی نیز که چیزی درمورد پرستش در قدس‌الاقداص نمی‌دانند از این امر برکت یابند. خدا عمیقاً خواهان این است که مشارکت مقدسین خود را برکت دهد تا آنان محبت و حضور او را عمیق‌تر از زمانی که هر یک به تنهایی به او نزدیک می‌شوند تجربه کنند. «پس برادران، چون که دلیری داریم تا به قدس‌الاقداص داخل شویم، نزدیک بیاییم و از با هم آمدن در جماعت غافل نشویم، بلکه یکدیگر را نصیحت کنیم.»

«و زیاده‌تر به اندازه‌ای که می‌بینید که آن روز نزدیک می‌شود.» بدون شک نویسنده رساله، روز نزدیک شدن داوری بر اورشلیم را مد نظر دارد. ما نمی‌دانیم که به نویسنده این نبوت با چه دقت و وضوحی داده شده است، اما می‌دانیم که ترس از نزدیک شدن روز داوری، انگیزه نوشتن این جملات است. این خواهش صرفاً برای از میان بردن بی‌توجهی و بی‌اعتنایی نوشته نشده، بلکه خصوصاً برای این نوشته شده که ایمانداران را تشویق به نصیحت نمودن نماید. مسیحیان

نیاز دارند تا به یاد آورند که چه داوری هولناکی در انتظار جهان است. آنان همچنین باید ارتباط روشن واقعیت ابدی بازگشت خداوند را با زندگی روزمره‌شان را به یاد داشته باشند بنابراین تلاش‌های ما برای کمک کردن به دیگران و نجات آنان باید با در نظر گرفتن این واقعیت مهم باشد که چقدر زمان کوتاه است و سرنوشت کسانی که هلاک می‌شوند چقدر هولناک است. همه کسانی که محبت نجات‌دهنده خدا را شناخته‌اند، این دعوت صریح را دارند تا با تمام وجود وظیفه خود را انجام دهند. ما در قدس‌الاقداس ندای هشدار را می‌شنویم و قبل از اینکه دیر شود باید برای دادن پیام نجات به دیگران به خارج از قدس‌الاقداس بیاییم.

مؤخره

۱ - به ماهیت بسیار عملی انجیل توجه داشته باشید. عبرانیان ۱۰: ۱۹-۲۵ یک کلیت واحد است. این قسمت با بیان اسرار روحانی و آسمانی آغاز می‌شود و با احکامی بسیار صریح درمورد رفتار ما نسبت به انسان‌های دیگر خاتمه می‌یابد. بیایید مطمئن باشیم که هر چه بیشتر با تعالیم عالی با بهای ۷ تا ۱۰ رساله عبرانیان آشنا بشویم برای اینکه در جهان باعث برکت باشیم بیشتر آماده می‌شویم.

۲ - هنگامی که مسیح سخنان نهایی خود را به شاگردان خود گفت، یکی از مطالبی که وی درمورد آن بسیار تأکید داشت این بود که آنان باید یکدیگر را محبت کنند. مسیح تمام کسانی را که نجات داده است هر چقدر هم ضعیف و خطاکار باشند دوست دارد. محبت وی به آنان آنقدر عمیق است که وی به ما می‌گوید ما نمی‌توانیم محبت واقعی خود را به مسیح به طریق دیگری به جز محبت کردن به انسان‌های دیگر ثابت کنیم. دلیل ورود حقیقی به قدس‌الاقداس فروتنی و نیکویی و قربانی کردن خود است و ما توسط این ویژگی‌ها توجه و محبت خود را به دیگران با گفتار و افکار و اعمالمان نشان می‌دهیم.

۳ - با دقت دوازده فصل این کتاب را مطالعه کنید و بر روی رابطه‌ای که بین آنها وجود دارد عمیقاً تأمل کنید و سعی کنید نگرش روشنی از وحدت مضمونی که در این قسمت وجود دارد به دست آورید.

نتیجه‌گیری

شاید بعضی از فرزندان خدا با خواندن این کتاب تعالیم آن را جدید و عجیب بیابند و به همین دلیل درسی را که این قسمت از کلام خدا در خود دارد درک نکنند. شاید اشخاصی هم وجود داشته باشند که تعالیم موجود در این قسمت از کلام را بپذیرند حقیقت آن را تصدیق کنند، اما به دلیل بی‌ایمانی یا عدم پذیرش قلبی کامل نتوانند زندگی متبارکی را که این قسمت کلام خدا بدین شکل برای ما مهیا نموده است، تجربه کنند. به خاطر وجود این گروه از اشخاص من خود را موظف می‌بینم خلاصه‌ای از آنچه که کلام خدا به ما تعلیم می‌دهد ذکر کنم، مراحمی را که آنان باید طی کنند برایشان توصیف کنم و به آنان نشان دهم که آنان در چه نقطه‌ای دچار ناکامی می‌شوند. برادر عزیز، ایمان داشته باش که این اراده خداست که تو به قدس‌الاقداس داخل شوی و در آنجا زندگی کنی. درنگ مکن و گام به گام خودت را بیشتر تسلیم حکم خدا کن. تو باید به او توکل کنی تا نجاتی را که وی در مسیح مهیا نموده است به تجربه شخصی تو تبدیل شود.

۱ - قدس‌الاقداس اینک گشوده شده است. ورود کامل به حضور خدا برای ما تضمین شده است. تجربه مستمر و بی‌وقفه حضور خدا در همه روزهای زندگی‌مان نه تنها یک امکان، بلکه امری قطعی است. ما خوانده شده‌ایم تا به قدس‌الاقداس داخل شویم و در آنجا با عیسی زندگی کنیم. نقطه اوج عمل او به عنوان کاهن اعظم این است که ما را به درون قدس‌الاقداس بیاورد و ما را در آنجا نگاه بدارد. اگر شما بخواهید وارد قدس‌الاقداس شوید و در آنجا ساکن شوید هیچ چیزی در آسمان و زمین و جهنم نمی‌تواند مانع شما شود. خود را با این اندیشه راضی نکنید که مسیحیان بسیاری وجود دارند که هرگز وارد قدس‌الاقداس نشده‌اند به پرد بنگرید که شما را به داخل می‌خواند. با این اندیشه خود را فروتن سازید. پدر من این مکان را برای من مهیا نموده است. محبت وی خواهان این است که من همیشه با او زندگی کنم. من از ایمان داشتن به این حقیقت سر باز می‌زنم و به جای تقریبی بدون واسطه به او و داشتن مشارکتی دائمی با او، دور از او زندگی می‌کنم. این حقیقتی مسلم است که قدس‌الاقداس برای ما گشوده شده است و ما می‌توانیم در آنجا با عیسی زندگی کنیم. پس به خدا بگویید که شما آرام نخواهید گرفت تا زمانی که این امر را

۲ - ما توسط خون دلیری داریم. آیا عدم درک این موضوع علت ناکامی شما نیست؟ شاید شما هرگز وقت کافی به بررسی این موضوع نداده‌ای تا ارزش و قدرت بی‌نهایت خون پسر خدا را درک کنید و به آن ایمان داشته باشید. این خون بر گناه، مرگ و جهنم غلبه می‌یابد. این خون شما را به درون قدس‌الاقداس می‌آورد و می‌تواند همه ترس‌ها و شک‌هایی را که گناه و بی‌کفایتی شما مسبب آن است برطرف سازد. این خون شما را قادر می‌سازد تا با اطمینان و دلیری کامل نزدیک بیایید. فرزند خدا به این خون بنگر، تا این خون را مکرم بداری و در قدرت آن فخر کنی تا بتواند تو را به درون قدس‌الاقداس بیاورد.

۳ - طریقی تازه و زنده برای ما مهیا شده است. آیا شما مایلید که وارد این طریق شوید؟ برای جسم ورود به این طریق دشوار و غیرممکن به نظر می‌رسد. این طریقی است که مسیح در آن گام برداشته است. این طریق، طریق قربانی کردن خود، طریق تسلیم شدن کامل به اراده خدا، طریق مردن نسبت به خود و جهان و طریق فروتن شدن و تا به مرگ مطیع شدن است. شما مطمئناً مایل نیستید یا انتظار ندارید که از طریق دیگری به جز طریقی که مسیح در آن قدم برداشت و طریق دیگری به جز طریقی که در اراده خداست وارد آسمان شوید. از مذهب آلوده به شک و دودلی که از تسلیم کامل به اراده متبارک خدا سر باز می‌زنند دست بکشید و خود را کاملاً به اراده خدا بسپارید و هم اینک تصمیم بگیرید که در طریق نوین قدم بگذارید. این طریق، طریقی زنده است. روح‌القدس در این طریق زندگی می‌کند و عمل می‌کند و همراه همه کسانی است که در این طریق قدم برمی‌دارند. خود را به عیسای متبارک تسلیم کنید تا در این طریق از او پیروی کنید. طریق آرامش و تقدس در قوت او از آن شماس است.

۴ - ما در خانه خدا عیسی را به عنوان کاهن خود داریم. آیا از رساله دریافتید که عمل عیسی به عنوان کاهن اعظم ما این است که ما را به نزد خدا بیاورد؟ و ما را آنقدر به او نزدیک سازد که در زندگی و تجربه عملی خود هر لحظه از حضور نزدیک او برخوردار باشیم؟ آیا وی بر خانه خدا کاهن نیست تا اینکه ما را به درون خانه خدا بیاورد و با سکونت در ما، ما را با خودش یکی بسازد تا زندگی ما را در حضور بدون واسطه پدر سپری سازد؟ ای عزیزان آیا شما برای تحقق این امر به عیسی توکل نمی‌کنید و برای وارد شدن به قدس‌الاقداس خود را تسلیم او نمی‌سازید؟

۵ - خدا دلی راست را از ما می‌طلبد. و شما چنین قلبی دارید. او به شما دلی جدید داده است و دل جدید دلی راست است. به این حقیقت ایمان داشته باشید و بر اساس این حقیقت رفتار کنید. در قدرت روح‌القدس در درونتان ایمان داشته باشید تا به این امر تحقق ببخشید. به یک باره داخل شوید و بگویید که با تمام دلتان و با دلی راست شما مشتاقید که وارد شوید. به گناهان درونی و احساساتان نگاه نکنید، به آنچه که خدا گفته است و نیز به طبیعت تازه‌ای که وی به شما عطا کرده است ایمان داشته باشید و با دلی راست وارد شوید. به عیسی بگویید که نمی‌توانید خارج از قدس‌الاقداس باقی بمانید و اینکه با دلیری که خون گرانها می‌بخشد، نزدیک بیایید و نزد او ساکن شوید.

۶ - خدا شما را می‌خواند تا در یقین ایمان داخل شوید. خدا هرگز از ما خواهان ایمان نیست مگر اینکه بنیانی مطمئن و دلیلی محکم برای آن به ما داده باشد. اگر شما به آنچه که خدا به شما داده است بنگرید؛ یعنی به پسر او که کاهن اعظم شماس است، به خون پسر او که به شما اطمینان می‌بخشد، به باز شدن قدس‌الاقداس برای شما و به عطای روح‌القدس که شما را در طریق متحد شدن با عیسی هدایت می‌کند، مطمئناً دچار ترس و شک نخواهید شد. شما باید با خود بگویید: «هر چقدر که مشکل و سختی پیش بیاید من اطمینان دارم که ضعف من نمی‌تواند مرا ناکام سازد. من به خدا، به عیسی، به خون عیسی و به روح‌القدس ایمان دارم و مطمئناً داخل قدس‌الاقداس خواهم شد.»

۷ - دل‌های خود را از ضمیر بد بپاشیم. ما دلیری را که خون می‌بخشد بررسی کردیم و این دعوت را که باید با دل راست بیاییم شنیدیم. بگذارید که این دو موضوع به شکل جدایی‌ناپذیری با هم متحد شده باشند. خون نشانه‌ای است که عیسی خودش آن را به ما می‌دهد. خون نشانه حیات اوست. بگذارید که دل راست تماماً خود را تسلیم خون مسیح کند و به آن ایمان داشته باشد. خون مسیح این قدرت را دارد که آسمان را بگشاید و تا ابد در آن ساکن شود. اطمینان داشته باشید که دل شما که خون بر آن پاشیده به ملکوت محبت پدر وارد شده است. این سرود را هر روزه بسرایید: «به او که ما را محبت نمود و با خون خود ما را از گناهانمان شست.» اگر شما تمام قلبتان را تسلیم خون مسیح کنید

این خون قدرت دارد تا آسمان و خوشی آن را که خوشی به حضور خداست به قلب شما فرود بیاورد.

۸ - بدن‌های خود را به آب پاک غسل بدهیم. مطمئناً با توجه به همه امتیازات خارق‌العاده‌ای که در برابر ما گذاشته شده است دیگر نیازی نیست که از شما استدعا شود تا هر گناه و هر عادت و غریزه جسمانی را که باعث می‌شوند مشارکت کامل و مستمر با خدا خدشه‌دار شود، کنار بگذارید. همواره درمورد اینکه مسیح چه کاری انجام داده است بیندیشید. با قدرت روح‌القدس و با قدرت آسمانی خون مسیح خود را پاک سازید. هر آنچه که باعث می‌شود تا سکونت شما در قدس‌الاقداص با مشکل مواجه شود از خود دور کنید. در دعا در انتظار خدا باشید تا اینکه حضور او قدرتی باشد که بر کل وجود شما حاکم است.

۹ - نزدیک بیایم. یعنی اینکه وارد قدس‌الاقداص شویم و به حضور خدا حاضر شویم. بگذارید هر یک از ما با تمام قلب و زندگی‌مان نزدیک بیایم و نزدیک به حضور متبارک خدا ساکن شویم. آنچه که گفته شد جوهره اصلی و خلاصه تعلیم انجیل است. مسیح می‌تواند این کارها را برای ما بکند، زیرا او قادر است تا ما را به شکل کامل نجات دهد. افسوس که بسیاری از مسیحیان از همه آنچه که مسیح می‌تواند به آنها بدهد محرومند و این چیزها را نمی‌طلبند و گاه حتی اطلاعی از آنها ندارند. خوانندگان عزیز از شما استدعا می‌کنم با چیزی کمتر از این راضی نباشید؛ یعنی با حیاتی که با قدرت نگاهدارنده عیسی هر لحظه در حضور خدا سپری می‌شود. کار او این است که ما را به نزد خدا بیاورد. برای تحقق این امر خود را به او تسلیم کنید. بیاید نزدیک بیایم.

۱۰ - اعتراف امید را محکم نگاه داریم. دل خود را ورای همه شکها و تردیدها و بی‌ایمانی‌ها نگاه دارید و پیوسته امیدوار باشید. در امید استوار باشید. امید خود را اعتراف کنید. به خدا و به دیگران بگویید که برای داشتن مشارکتی دائم با خدا که همواره عمیق‌تر می‌شود به خدا امیدوارید. اعتراف امید خود را تا به انتها محکم نگاه دارید و همواره به یاد داشته باشید که آنکه وعده داده است امین است، در برابر هر ناکامی و سرخوردگی و درمورد آنچه که خدا انجام خواهد داد بایستید و آنگاه درخواهید یافت که امید باعث شرمساری نمی‌شود. زندگی در قدس‌الاقداص میراث شماست.

۱۱ - در محبت زندگی کنیم. قدس‌الاقداص مسکن محبت خداست. طریق تازه و زنده طریق مردن نسبت به خود و اراده انسانی است. عیسی کاهن اعظم در مسکن خدا تنها از طریق ورود به قلب شما و با تبدیل شدن به سرمنشأ حیات شما و با زندگی کردن در شما توسط روح است که می‌تواند شما را به خدا نزدیک بیاورد. به عیسی ایمان داشته باشید که می‌تواند این کار را انجام دهد و عیسی فرزند محبت خداست، علت وجودی او محبت خداست، او پر از این محبت است و پیام‌آور این محبت و بخشنده آن است. خود را به محبت مسیح تسلیم نمایید که خوشی خود را طالب نبود و در محبت رفتار کنید؛ یعنی در همان محبتی که وی ما را محبت می‌نمود. زندگی شما مملو از محبت باشد، ملاحظه یکدیگر را بکنید و محبت و اعمال نیکو را تشویق کنید. در قدرت عیسی، پیوسته زندگی‌تان سرشار از محبت باشد. این امر در محبت و حضور خدا امکان‌پذیر است.

۱۲ - پیوسته با مقدسین مشارکت داشته باشیم. اجازه بدهیم تا محبت در اتحاد بدن مسیح خود را نشان بدهد و در مشارکت و روابط صمیمانه اعضا ظاهر شود. به یاد داشته باشیم که روح مسیح به ما در انزوا و جدایی از یکدیگر داده نشده است هنگامی که ما در قدس‌الاقداص زندگی می‌کنیم می‌آموزیم که چگونه با هر یک از اعضای بدن مسیح یکی هستیم و چگونه زندگی ما در محبت خدا به رابطه ما با برادرانمان وابسته است و نیز اینکه چگونه زندگی و رشد روحانی برادرانمان باید دل‌نگرانی و نیز پاداش ما باشد. در این حالت زندگی در قدس‌الاقداص و در حضور خدا زندگی سرشار از محبت و تلاش و قدرت و برکت خواهد بود. خواننده عزیز، آیا شما حقیقتاً تعلیم کلام خدا را پذیرفته‌اید که به ما می‌گوید پدر ما را دعوت کرده است تا در قدس‌الاقداص ساکن شویم؟ آیا شما وارد قدس‌الاقداص شده‌اید؟ اگر وارد نشده‌اید من در نام کاهن اعظم ما که منتظر ورود شما به قدس‌الاقداص است و تا به آنجا نزدیک نشده‌اید آرام نمی‌گیرد، دعا می‌کنم که وارد قدس‌الاقداص شوید و در حضور خدا محل سکونت خود را بیابید.